

نابود یاد جنگ؛ مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و
زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال اول
شماره ۴ / بان ۳۳

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

سرمقاله

چگونه رژیم خمینی

سرنگون میشود؟

بهبان گونه که در پایان سرمقاله شماره گذشته نبرد خلق نوشتیم، سرمقاله این شماره را به امر چگونگی سرنگونی رژیم خمینی و پاسخ این سوال که چسرا تاکنون سرنگون نشده، اختصاص میدهم. مقاله این شماره مکتب مقاله شمار قبیل، و مقاله سمار قبیل مبنای اصولی و اساس برای هرورده این بحث است زیرا که نویسندگان و انقلابیون دیگر در برخورد با ساله سرنگونی رژیم ارتجاعی ضد انقلابی و ضد خلقی با دشرایط متفاوت که الزامات و تاکتیک متفاوت رانیز میطلبند برخورد دارند. شرایط اول، شرایطی است که در اثر مجموعه عوامل اقتصادی، سیاسی جامعه دشرایط بحران انقلابی قرار نگرفته و زمینههای اقتصادی، سیاسی جامعه، و صمیمت رژیم حالت مبارزه بود معا دشرایطی نیست که سرنگونی حاکمیت هابه پد امر مشخص و وظیفه مبرم و عاجل تبدیل شود. در این گونه موارد عموما اقتصاد جامعه در یک رونق نسبی سیر می کند و از نظر سیاسی رژیم های حاکم در حالت تثبیت بسر می برند و از بحران هائی که اصطلاحاً آن را "بحران قانونی" میگویند فرار دارند، مبارز شوند. عموماً در این گونه موارد، حتی در گسترده ترین حالتش در چهارچوب های قانونی قرار گرفته و در حالت رکود می باشد.

در این شرایط، صرف نظر از تفاوت های کیفی جوامع مختلف (منجمله حفظ نقش استراتژیک مبارزه مسلحانه در کشورهای تحت سلطه) مضمون مبارزه و انقلابیون تدارک قیام بنشاید امر مشخص. در دستور کار نبود، بلکه امر سرنگونی بنشاید يك امر کلی و استراتژیک در دستور قرار می گیرد. شرایط دوم، شرایطی است که جامعه در مجموعه آن، در يك بحران انقلابی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) سیر می کند اقتصاد در یک وضعیت بحرانی قرار گرفته رژیم حامی در پی ثباتی سیر می کند، توده ها در یک حالت انقلابی بسر می برند (علیرغم اینکه بقیه در صده ۲



درا هتزاز یاد پرچم ظفر نمون انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

۶۸ سال پس در روز پنوا میر ۱۹۱۷ (۲۵ اکتبر به تاریخ سابق) مهمترین تحول در آغاز این عصر و سرنگونی رسیداد در تاریخ بشر یعنی انقلاب پسر شکوه و کبیر سوسیالیستی در روسیه اتفاق افتاد. سنگامیکه در این روز زندگی کارگران، سربازان و وطنانان روسیه بر رهبری لنین و حزب بلشویک ناخ زمستانی را فتح و حکومت لنینی را در روسیه مستقر و اعضا این دولت ضد انقلابی را بایزاد است نمودند. موجی از شورش در انقلابی جهان را فرا گرفت و نافرورگ امپریالیسم جهانی، انحصار استرالیه داری بین المللی و تمام مرتجعین، راهزنان و دزدان جهان بپسداد آمد و اولین حکومت شورائی کارگران صلح و دوستی برابری، برادری سعادت و شکیستی را بنجد داد. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و استعرا جمهوری شورا های مسلح کارگران، دهقانان و سربازان در روسیه در اثر رشد شرایط عینی و گسترش مبارزه طبقاتی بین پرودتاریا و زحمتکشان با پرورازی روسیه پس از سرنگونی حاکمیت تزاری (در انقلاب فوریه) و نهضت استهای انقلابی حزب بلشویک روسیه به

پیام مسئول شورای ملی مقاومت

به عموم جریانات و شخصیتهای

آزاد بخواه و استقلال طلب ایران

در پایان گزارشی که درباره جریانات همکاری و جدائی احزاب نا پذیر ما آقای ابوالحسن سیر صدر به مردم ایران تقدیم شد ضروری میبیم بکنار دیگر توجه عموم نیروها، جریانات و شخصیت های آزاد خواه و استقلال طلب ایران را به نکات زیر جلب کنیم:
۱ - شورای ملی مقاومت برای سرنگون کردن رژیم خمینی و برای استقلال و آزادی و استعرا حاکمیت ملی و مردمی مبارزه می کند. این شورا بدون آنکه بخواهد تاکنون مسلحانه را مطلق کند، سرنگونی دیکتاتوری ارتجاعی و خون آشام خمینی را که رژیم سحرآمیز و

بقیه در صده ۱۱

در این شماره:

- ★ جنبش توده ای در امجدیه
- ★ ای تبا سیریم و تاکنون اکره
- ★ بیبا نه - مشرک
- ★ تلگراف های تسلیم مسئول
- ★ شورا به رئیس جمهوری و د پهرکل
- ★ حزب کنگره هند
- ★ مطعنامه مجده کارگران - (هند)
- ★ استهدای آ باناه فدائش
- ★ برحس ازبده اد های تاریخی
- ★ نتیجه جنگ در کردستان

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

نقد "طرح برنامه اقلیت"
در صفحات ۸۰، ۷۶، ۶۵ (قسمت آخر)

سرمقاله

بعده از صفحه ۱

مذکر استعمود خارجی گسترده بلامد اشتعاشد. و عمود سیاسی هستند، در این حالت وظیفه مردم و عاجب انقلابیون قراردادن ساله سرنگونی و تدارکخیم در دستر مشحص کار خود می باشد و هر گونه تخطی از این امر بمشایع پورتونیسیم، رفرمیسم و سازشکاریست. مضمون اصلی شعارها و تاکتیکهای این مرحله تعرضی است. و مبارزه انقلابی در این وضعیت مشخص بصورت جنگ داخلی (مردم علیه رژیم ضد خلقی) تجلی می کند و قیام مسلحانه بمشایع عالیترین شکل جنگ داخلی، محتمل ترین حالت در این مبارزه است. میگوئیم محتمل تر است. چون هر شرایط و بحران انقلابی الزاماً به قیام مسلحانه تبدیل نخواهد شد و چه بسا در نیمه راه بحلل متحد متوقف شود.

بهر حال جامعه ایران در لحظه کنونی در چنین حالی است یک بحران انقلابی همه جانبه همراه با یک جنگ داخلی تمام عیار وجود دارد. زیرا بعقول لنین " سرکوب هر انقلاب به معنای جنگ داخلی در گسترده ترین ابعاد آن جنگی علیه تمام مردم است " (لنین - انقلاب روسیه و وظایف پارتلاریا)

مادر سرمقاله شماره قبل نبرد خلق بحران انقلابی در ایران و ریشههای آنرا توضیح داد بود در این رابطه توضیح بیشتری که نیاز این مقاله می باشد ضروری نماند. تنها برای ادامه بحث جمع بندی دیدگاههای انقلابی را بر ترتیب زیر خلاصه می کنیم:

جامعه ایران در یک بحران عمیق انقلابی بسر می برد یک جبهه بندی جنگی واقعی از رژیم و توده های مردم پدید می آید و سرانجام انقلابی در جامعه ما وجود دارد. رژیم درین بست های متحدی گرفتار شده، این بست جنگ، این بست سرکوب، این بست اقتصادی بن بست فرهنگی، بن بست دیپلماتی، توده های مردم عمیقاً حواسنار انقلاب و تسلیم سرکوب نشد فاند. ساله سرنگونی رژیم خمینی و نیروی جانشین، مردم ترین و صحراییترین وظیفه نیروهای انقلابی است. اکنون با این مقدمه میتوانیم وارد مساله چگونگی سرنگونی رژیم شویم. یک رژیم سیاسی به حالات زیر ممکن است سرنگون گردد و نیروی جانشین آن گردد. صرف نظر از آنکه این نیروی جانشین بتواند حاکمیت خود را ادامه داده و تاثیر ما میدهد. ما هر حالت دیگری که مورد بحث کنونی مانیست.

۱- از طریق عوامل خارجی و اشکال کودتایی که منجر به حاکمیت ارتجاعی دیگر شود.

۲- از طریق جنبش توده های بنحوی که جبران جانشین با سوار شدن بر موج جنبش توده ای و فریب و استغناء از خلا رهبری، خود را احیا کند و صهر حال اراده توده ها حاکم نشود.

۳- از طریق مبارزه عمدتاً در بالا که در ادامه آن منجر

به گسترش مبارزه توده ای و اعمال اشکالی از حاکمیت نمایی توده ها شود.

۴- از طریق مبارزه مستقیم انقلابی و جنبش توده ها که از طریق قیام مسلحانه اراد توده ها به حاکمیت برسد. در تاریخ مبارزه خلقهای جهان موارد متعددی از این اشکال سرنگونی دید شد ماست آنچه مورد نظر ماست پیرو روی آن تا کنون داشته و انقلاب کنونی را در این پیرویه میدانیم حالت چهارم یعنی انقلاب از طریق قیام مسلحانه توده های استقرار دولت سوسیالیست است. ارکان قیام که بهترین وظیفه آن رعیت به مجلس موسان می باشد است.

توضیح این نکته ضروری میدانیم که بنظر ما قیام توده در جامعه ما تفاوت های کیفی با قیام ۲۰ آبهمن خواهد داشت. این قیام دقیقاً سازمان یافته و نیروی آن باید در یک پیرویه شکل گیرد و در اینجا فاصله ماههای بهمن ۱۳۵۷ تا بهمن ۵۷ ساله، وزهای یک ماه می باشد. اکثریت نیروهای انقلابی فعال در عرصه های عمل (با هر میزان مملکتی که دارند) بر این امر اتفاق نظر دارند که صورت آتی جنبش توده های خصلت انفجاری آن می باشد زیرا سرکوبهای وحشیانه رژیم خمینی و تانسیل قدرتمند و جبرتمند توده ها بنحویست که هر روزهای سبب انفجار عظیم توده ای میشود. آنچه مانع اصلی و عمدی بر روز جنبش توده مانیست.

سرکوب عریان و بیجان گسیخته رژیم است و بنا بر این وظیفه تاکتیکی انقلابیون علیه بر این سرکوب است و از آنجا که جنگ داخلی همانند هر جنگ دیگر مساوی بر سر خود نیرو است، بنا بر این اساسی ترین عامل در تدارک قیام، بسیج نیروی مردمی و خلقی قیام مسلحانه است. این بسیج باید سازمان یافته و پشترکن باشد و از اینرو مستعد واحد های محلی مقاومت توده ای اصلی ترین شکل سازمان مانی توده های مردم است. رژیم خمینی نیز در مقابل این نیروی توده ای خود را بسیج سازمان می دهد. رژیم خمینی رژیمی است که از نظر توده ها بسیار مغرور است، تمام حرکات رژیم توده ها با از جدائی روز افزون توده ها مردم از این رژیم است. همین حرکت اخیر مردم در ورزشگاه امجدیه که حرکتی خود جوش سازمان نیافته بود اوج تنفر مردم از رژیم نشان داد.

اما این رژیم برخلاف رژیم شاه دارای یک پایه گاه مشخص است که میتواند منبسط به انسانی اش باشد. نیروهای رژیم هر چند در محدود و غیر مردمی باشند

معالوف، سازمان یافته و بعضاً منافع طبقاتی اجتماعی و ایدئولوژیک مشخص آنها را بدنبال رژیم کشند و علاوه بر آن رژیم با اتنا به درآمد نفت و خرید تسلیحات و مایحتاج این قشر محدود آنها را به مزدوران مومین به رژیم تبدیل کرد ماست. اشکال اصلی رژیم خمینی به سازمانهای سرکوبگر باقیمانده از رژیم شاه نیست (اگرچه از آنها تا جایی که قدرت و تنفر باشد استفاده معالی شخصی می کند) رژیم خمینی سازماندهی نیروهایش را بنحوی انجام داده که بتواند با اشکال پرولاپت فقیه، ارتش سرکوبگر خاص خود (سپاه پاسداران، بسیج، کمیته ها و چندین گشت

سرکوبگر) دستگاه اطلاعاتی خاص خود و تشکیلات سیاسی خود را اداره نماید. تمام نیروهای که چه به علت مزیقه مالی و چه تحت اجبارت متحد در سازمانهای سرکوبگر رژیم هستند، نیروی همیشه در صحنه ها و بیرون در صحنه سرکوب قیام مسلحانه نخواهند بود. نیروی اصلی رژیم کصفاً نیروی سازمان یافته و با منافع اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک است، نیرویست محدود اما دارای قدرت قدرتی که توانست است تاکنون مانع تحقق قیام شود، این قدرت و نیروی باید با قدرت و نیروی مردم شکسته شود این نیروی محدود به علت در دست داشتن حاکمیت، به علت اشکال هبانه نهاد سرکوبگر، به علت در اختیار داشتن دستگاه تبلیغاتی، به علت اشکال رآمد نفت و صحت در دست داشتن بازارهای خرید اسلحه و احتیاجات روزمره اش به مصلحت خود تا آنجا ادامه میدهد که قدرت انقلابی و توده ای آنرا در هم شکند، بازمه تکرار تاکید می کنیم که نیروی انقلابی نیز در لحظه فعلی ملاحظه فرمایید. ساختن پدیده است. هر چه شود و آماده قیام شود، و از این جهت سازماندهی واحد های مقاومت باید گسترش یابد و ایجاد هر چند بیشتر توده های پدید آید. تاکنون سازماندهی نیروها مقاومت بنحو مؤثر پیشرفت معاهد بین خلق در ایجاد سراسری دران نقش برجسته اصلی داشته است. نیروهای مقاومت در اشکال زیر سازمان یافته اند.

۱- در ایجاد سراسری نیروی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق و در ایجاد منطقی حزب دمکرات و نیز نیروهای دیگر جریانات ترقی خواه و مبارز که نیروهای اجتماعی این نیروها که در ایجاد سراسری هسته های مقاومت مجاهد خلق و در کردستان نیروی پیشمرگه دمکرات می باشد. علاوه بر آن نیروهای مقاومت و هواداران سایر نیروهای انقلابی.

۲- مبارزات توده های اجتماعی افشار و طبقات مختلف مردم و بیرون مبارز طبقه کارگر. بنظر ما وصل کردن مبارزه اشکال او با مبارزه در شکل ۲ احتیاج به یک حلقه واسطه دارد که سازماندهی آن یک وظیفه حیاتی بیرون برد و شجاعانه درین خلق بعنوان یک نیروی سراسری و حزب دمکرات بعنوان نیروی اصلی در کردستان می باشد. این حلقه واسطه سازماندهی توده های مردم و مبارزه مانی توده ها در واحد های محلی مقاومت می باشد. این واحد ها که اساساً حاصل توده ای داشته و دارای همت عموم خلقی (تعاونیست به یک جریان خاص سیاسی) می باشند واحد هانیست از نوع پایه های ارتش خلق که در مجموع ارتش خلقی را تشکیل میدهند.

مجموعه این نیرو که سازمان یافته و دارای رهبر، متمرکز و هشیار می باشند می توانند بر اساس تحلیل مشخص و یادارک لفظی مناسب سربه اساسی را بر بر رژیم وارد و نیروی بالفعل آنرا در هم شکنند. مجموعه این نیروهای سازمان یافته قدرت مقابله با نیروی سرکوب قیام را دارند و بدون تمرکز سازمان

رهبری طبقه کارگر
ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

سرمقاله

دادن این نیرو قیام غیر ممکن است.

در خانه این بحث جادارد به رهنمودهای لنین در مورد قیام مسلحانه که خود وی نیز آنرا بکار گرفت اشاره نمائیم: " ... ولی قیام مسلحانه نوع مخصوصی از مبارزه سیاسی است که تابع قوانین مخصوصی میباشد، و در آن به وقت باید به دقت تعمق نمود، این حقیقت را کارل مارکس با ذکر اینکه "قیام" مسلحانه "همپایند چنگه یلغز است" بسا وضوح شگرفی بیان نموده است. بین قواعد عدلین و غیر مارکس نکات زیرین را ذکر می کند:

- ۱- با قیام هرگز بازی نکنید و هنگامی که شروع کردید، قیام را سرخ داشته باشید که باید تا آخر قیام پایدار در محل قطعی در لحظه قطع نفوق قیام داشت. زیرا در غیر این صورت دشمن که دارای آمادگی و سازمان بهتری است قیام کنندگان را نابود خواهد کرد.
- ۲- چون قیام شروع شد با قطعیتی هر چه کمتر، جتماً و بی چون چرا به تعرض پرداخت.
- ۳- دفاع مرگ قیام مسلحانه است.
- ۴- باید کوشید خصم را اغلب گریز ساخت و لحظه ای را بدست آورد کمسایان را نشان نرساند.
- ۵- باید هر روز (و میتوان گفت هر ساعت) چنانچه پای یک شهر در میان باشد) به گامهایی هائیل و لو کوچک ناائل آمد و بدین طریق به ترقی شد و نفوذ روحی را حفظ کرد. (لنین.....)

جا دارد به این نکته نیز تاکید کنیم که اگر این واقعیت که شورای ملی مقاومت عمیقاً به رهبری سیاسی - نظامی قیام مسلحانه مردمی برای سرنگونی رژیم خمینی کرده، در این شورا نقش محوری و اصلی بعهده سازمان مجاهدین خلق است و بنابر این مسئولیت منبسطاً نسبت به حلقه در حل مسائل کلیدی قیام و منجمله پر کردن خلا نیروی در هم شکسته و ارتجاع، مسئولیت اصلی استایدون اینکه دیگران و منجمله ما مجاز به شانه خالی کردن از زنجیر مسئولیت باشیم. بنا بر این رکن اصلی تدارک قیام که رکن داخلی است تدارک نیرو سازماندهی و آماده سازی آن برای مقابله با نیروی سرکوب بالفعل رژیم می باشد. اما هیچ قیامی بدون آماده سازی نسبی شرایط بین المللی غیر ممکن است. یعنی اگر شرط لازم و اساسی را شرایط داخلی بدانیم، شرط کافی و آمادگی شرایط بین المللی است. آمادگی شرایط بین المللی بدین معنی که رژیم خمینی عیلافاتد پشتیبانی مادی و معنوی بین المللی گردد و اکثریت دموکراتیک نیز مشروعیت و حقانیت بین المللی (که الزاماً تحت اجبارات معینی متحقق میشود) بیابد. در شرایط کنونی رژیم خمینی از نظر افکار عمومی و جریانات بین المللی کاملاً ایزوله است. ولی به همین رژیم از غرب و شرق کمک مادی میشود و در زمینه‌هایی در رقابت‌های بین المللی رژیم خمینی تنگناهای خود را حل می کند. طبیعتاً اگر نیروهای

بین المللی از اکثریت دموکراتیک بطور جدی حمایت نمی کنند بدین دلیل مهم است.

اولاً - اینکه این اکثریت مستعمل است.

ثانیاً - اینکه هنوز چشم انداز قابل قبولی برای سرنگونی این رژیم در نظر ندارند.

الترناتیو دموکراتیک به هیچ وجه نمیتواند و نباید از مسأله استقلال کوتاه بپایند. زرادرات صورت هم خود و هم انقلاب ایران را متعلق کرده است. آنچه وظیفه اکثریت دموکراتیک و نیروهای انقلابی است در این میان اینست که در صورت تحقق این رژیم کوشش در جهت سرنگونی رژیم دران مشاهده میشود اما در مقیاس ادعای اکثریت دموکراتیک هنوز کافی نیست. شورای ملی مقاومت باید بهمه نیروهای بین المللی کوشش کند که رژیم خمینی علاوه بر آنکه نمایند مردم ایران نیست، نیروی بحران زو تشنج افرن در منطقه است و در ضمن شورای ملی مقاومت بعنوان یک نیروی جانفشین با پایبندی به اصول اساسی خود یعنی استقلال، مکرسی، صلح و عدالت اجتماع می تواند این رژیم را سرنگون و یکی از مضرت‌ها عوامل تشنج افرنی در منطقه (یعنی رژیم خمینی) را به زیاده دان تاریخ بسپارد. اکنون هر نیروی بین المللی با هر ادعائی که داشته باشد یا بدستخواب کند، با ایران در بند خمینی جا ایران دموکراتیک به رهبری شورای ملی مقاومت. هرگونه حساب باز کردن روی شامو شاهزاده شیخ، شیخ زاید نوکری اختیار و با احتمال نیروهای میانی از هر قوم و هر شکل از درون و از بیرون، از جمله امام خطا غیر امام از جبهه متحد ارتجاع حزب توده، جبهه اسلامی بنی صدر و ... یک توهم و خیالی باطل است و در ضمن شورای ملی مقاومت و نیروهای انقلابی، مسئله آن این بار اجازه نخواهند داد از بالای سر مردم، روی منافع آزادیخواهان و استقلال طلبان آنها معامله و مذاکره شود و تنها این شورا است که با اتخاذ سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر منطقه با اتخاذ سیاست صلح و همزیستی، با تائید حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش، با مخالفت با سیاست سرکوب انقلاب می تواند صلح منطقه را تضمین نماید و بنا بر این شورا باید علاوه بر یک جبهه بین المللی علیه رژیم خمینی و سود منافع استقلال طلبان و آزادیخواهان مردم ایجاد نماید. جبهه‌هایی که منظر ما جز راست ترین جناحهای امپریالیسم بین المللی، نه استراتژی آنها حفظ این رژیم در هم شکستن شورای ملی مقاومت و ایجاد یک اکثریت دموکراتیک است. همه را میتوان در بر گرفت. ضمن اینکه برای همین نیروها می که در حال حاضر اکثر آنان بالقوه هستند باید تفهیم شود که قیام شورای ملی مقاومت به نمایندگی از طرف مردم جریوم ایران اینست که "بهبیج شغالی باج داد نخواهد شد" و شورای ملی مقاومت تنها بر پایه منافع اساسی مردم ایران حرکت خواهد کرد.

این بود مجموعه شرایط داخلی و بین المللی که منجر

به سرنگونی انقلابی رژیم خمینی می گردد تمام کسانی که با تکیه بر شکست انقلاب، فقدان بحران انقلابی، فقدان اکثریت سیاسی و ... سرنگون شدن رژیم خمینی را توجیه می کنند در واقع به توجیه رژیم، اپورتونیزم و پاسیفیسیم خود مشغولند. آنها در بهترین حالت چیل سیاسی خود را بنمایش بگذازند و در بدترین حالات نجات ارتجاعی و ضد انقلابی خود را جریان می کنند. اکنون از زاویه انقلابی این مسأله روشن میشود که چرا رژیم خمینی تاکنون سرنگون نشده است. در این رابطه نیز نیروهای اپورتونیزم ضد انقلابی همه کاسکوزها را بر سر ما هدیه حلق می شکنند که چرا در ۲۰ خرداد شروع کردند و "۲۰ خرداد زود بود" و اساساً "علت همه کسارت‌های خمینی و ارتجاع لبام گیسخته" نه خمینی بلکه علیات مقاومت مجاهدین بود است. طبیعتاً این روشکستان سیاسی نمی گویند که اگر مجاهد در ۲۰ خرداد مقاومت نمی کردند، آنوقت تاریخ همان صبر خیانت که به حزب توده بخاطر عدم مقاومت در ۲۸ مرداد ۲۲ زد به مجاهدین نمی زد و

بنظر ما ۲۰ خرداد یک نقطه عطف تاریخی در جنبش رهائی بحشر مردم ایران است و در یک ضرورت بود. اما چیزی که خود مجاهدین نیز بسا اشاره نمودند و بیان کردند، یعنی تصور سقوط سریع رژیم مسأله دیگریست. قدر مسلم بعد از ۲۰ خرداد وجه در لحظه کنونی تمام پارامترهای لازم و منجمله اساسی ترین آن یعنی نیروی سرنگونی فراهم نبود می نیست. اکتیون‌های سراسری و منجمله حرکات هفته شمار مرگ بر خمینی نشان دهنده رشد تصاعدی این نیروست. این صبر است که در صورت آماد شدن شرایط بین المللی (که دقیقاً در پیوند باهم می باشند) منجر به سرنگونی رژیم خمینی خواهد شد و این چندان دوری نیست. اکنون تمام تاکتیکها تمام شعارها و تمام اقدامات داخلی و بین المللی باید در جهت سازماندهی و بسیج نیروهای اجتماعی باشد. در این راه زنان و مردان بسیاری جان خواهند باخت ولی راهی که انقلاب ایران برگزیده، راه رهائی است. تمام فعالیت‌های انقلابی که تاکنون صورت گرفته، تمام اعدا، اشهادت‌های خیابانی، شکست‌ها، زجرها و جیره انقلاب است که به نیروی مادی تبدیل خواهد شد. حورشید فروزان قیام خواهد درخشید. ما به این لحظه ایمان قطعی داریم از همه آن‌ها. نیکه هنوز نخواستیم بتوانیم استعاند به اعزاز فضل‌های ایمان، بیاروند دعوت مرگیم که دشمنان خود را بساز. کنند. امید به سحر نهی طلوع خورشید است. جنبش توده‌ای در ورزشگاه امجد به نشان داده مردم انقلاب را باور کردند. انقلاب را باور کنیم.



پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق‌های ایران

اخبار کوتاه

مدیر عامل شرکت حمل و نقل بین المللی (وابسته به وزارت ترابری) شخصی است به نام شمس، ایمن شخص همراه با موسوی نمایندند. اثر در اطریش و حاج محمدی مسئول انجمن اسلامی و مدیریت اداری شرکت و فرد دیگری بنا بر ازارع اقدام به احتلاس ۳ میلیون دلار می نمایند و بابا زکریا حساب بانکی در اطریش این پول را با لای می کشند. بعلمت اختلاف شدید در حکومت این اقدام لو میرود و جناح مخالف موفق میشوند موسوی (پسر یکی از آخوند های تهران) را از اطریش بختوران بیاورند و هر چهار نفر را بازداشت نمایند.



انجمن اسلامی شرکت تاجر ایران اطلاعاتی مبنی بر برگزاری مراسم عهد قربان صادق روز کلیه کارگزاران خواهد که در این مراسم شرکت کنند. صفا در این روز مزد و انجمن میجو استند جوایزی بجهت جبهه شرکتید هند این اطلاعیه یک روز قبل از مراسم در تابلو اعلانات نصب شد و موزاریده مراسم از ساعت ۲ بعد از ظهر یعنی یک ساعت زودتر از موعد تعطیل شد. کارگزاران مراسم را کاملاً تحریم نمود و آنها نماندند و سوله تخلیه داشته اند پس از تعطیل کار خارج می شوند. عدای هم برگردیم در ریافت کرد و از محوطه کارخانه خارج می شوند و اکثر کارگزاران میمانند و بدون اینکه در مراسم شرکت کنند ساعات حرکت به سرپردهای شرکت می مانند و در مراسم شرکت نمی کنند.

از مجموع ۶۰ نفر پرسنل این شرکت تنها حدود ۱۰۰ نفر در مراسم شرکت می کنند.



در حرد اما حاصل یکسو استناد و احتلاس ۸۴ میلیون (نومان) در نجف آباد توسط اهادی رژیم صورت می گیرد. در این احتلاس مهدی صالحی (مسئول سپه) ایزدی (امام جمعه) رضوی نمایندند و منتظری و فرماندار و رئیس بنیاد مستضعفین شرکت داشتند این افراد سهمیه برج تقدشکر، آهن لاستیک این شهر را دزدیده و در شهر های دیگر در بازار آزاد بفروش میرسانند.



در مد رسه دحترانه اتفاق (مد رسعلیمی ها) دحتران را مجبور به داستن روسری می کنند و در هر رنگه تفریح آخوندی از حوزه های علمیه برای آنها سخنران می کند.



از دانشسرای سابق لنکرود برای زندان استفاده میشود.



یک گشت جدید در تهران بنام علی اکبر برای سرایان مشمول براه افتاد است.

روز یکشنبه ۴ نوامبر (۱۳ آبان) اولین انتخابات عمومی در نیکاراکوئه انقلابی انجام و در این انتخابات رئیس کشر، نائب رئیس ۹۰ نمایندند. مجلس انتخاب شد. در این انتخابات مردم مهران نیکاراکوئه با انتخاب رفیق دانبل اورنگا از جبهه ساندینست اعتماد کامل خود را به رهبری سیاسی انقلاب نیکاراکوئه نشان دادند. ما انتخاب رفیق دانبل اورنگا و دیگر رفقای ساندینست را به مردم نیکاراکوئه و رهبری جبهه ساندینست تبریک می گوئیم.

بعناست سومین سالگرد شهادت های از انقلابیون شهر اراک اعلامی از طرف هواداران سازمان بشریح زرد در این شهر بخش شد.

هموطنان مبارز! سردم مبارک د سال پیش در روز چهارم آبان در شهر اراک نزد رژیم خمینی جلاد حکم اعدام یازده تن از بهترین فرزندان خلق که بدتها در زندان رژیم تحت شکنجه بودند را به اجراء آوردند. خمینی این پسر کفتار خون آشام بی مناسبت در این روز فرمان کشتار عزیزان را صادر کرد. او بوسیله این عمل جنایتکارانه تر به وابستگان و مخالف های رنگارنگ شاه اطمینان خاطر داد که اسلا نگران نباشید و اورسالت "شاه"، کارها، اهرام شعبا بعبه گرفت استاویه خلف معدوشن میخیزد صا این پیام را رسانده که: آسوده بخواید که اویدار است.

بیدار است برای غارتگری هر چه بیشتر از مردم تحت ستم ایران، برای بهره کشی از کارگران و زحمتکشان برای تهریاران مخفی وطنی ۴۰ هزار نفر از بهترین فرزندان خلق، برای به بند کشیدن و شکنجه کردن ۱۲۰ هزار نفر از انقلابیون ایران، برای

در تاریخ ۱۳/۶/۲۹ آخوندی را با ۴۰۰۰ مارک که در عا معاش جاسازی کرد بود، در مرز بارزگان دستگیر می کنند.



روز یکشنبه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۴ تظاهرات به دعوت دهها شخصیت و گروه فرانسوی و منجمله حزب کمونیست فرانسه برای دفاع از صلح جهانی در فرانسه برگزار شد.



یکی از اعضای رهبری جبهه آزاد پیشرو ملی السانواد در فارابوسارتی (۴۰۸۰-۴۰۸۰) روز ۲۲ اکتبر (۱۱ مهر) با کلود شسون وزیر خارجه فرانسه ملاقات کرد.

سرکوب و بیماریان خلق محروم کرد، برای گسترش فقر، گزانی و آوارگی و... برای جنگ افروزی و توطئه در منطقه. خمینی رژیم ضد انقلابی اش را چه زود تاریخ و حکم آنرا رد و مسرد خلف جنایتکارش محمد رضا به فراموشی سپرد فاند، آنها گها فراموش کرد فاند که "شاه" با همه امکانات و وابستگی اش با تمامی جنایات که آفرید و با تمامی فقر و بدبختی و آوارگی که پسری مردم محروم میبختان ایجاد کرد، نتوانست از آتش خشم خود معذورمان باشد و سرانجام یاد سستی ی هر قدرت کارگران و زحمتکشان تمامی خلق های محروم به زباله دان تاریخ سپرد شد.

هموطنان مبارز
کارگران و زحمتکشان

چهارم آبان ۱۳۶۱ فدائیان خلق عزت بهرامی مریم دژآگاه محمد سلیمانی - عبد الرضا ماهیگر محمد داود نوری - مجتبی دژآگاه و مهران محمدی به همراه مجاهدین خلق مهین شهیدی - محمد شریفی پور - هادی آزاد و مهین ابراهیمی به جرم مبارزه برای استقلال دمکراسی و صلح و عدالت اجتماعی توسط رژیم برای محضی به جبهه اعدا سپرد شدند آنها که خون پاکشان را برای پاک نمودن همه نا با کبها که رژیم ضد خلقی شاه و خمینی در مهین مان گستراند میدهند به وطن به مردم تحت ستم شان تقدیم کردند.

در سالگرد شهادتشان، یاد آنها را گرامی میداریم و بخون سرخشان سوگند میادیم که تا پیروز و تحقق اهدافشان لحظه ای آرام نگهیم.

چاودان یاد خاطره شهید ای بچون هفته خلق و شهید ای قهرمان ۴ آبان شهید سراراک مرگه رژیم خمینی جلاد - زند بهاد صلح و آزادی بهروز بهاد شورای ملی مقام است رهروان فدائی مواد ارسپخا - پیرو برنامه (هویت)

آبان ۱۳

سرکوب در شیلی گسترش می یابد - رژیم فاشیستی پهنوشه دست به سرکوب گسترده مردم شیلی زدند است. این سرکوبها پس از استعفای دولت پسر نظامی شیلی در ۵ نوامبر (۱۴ آبان) و استقرار دولت نظامی در شیلی ایجاد گسترده های یافته است. رژیم فاشیستی پهنوشه تا کنون بسیاری از رهبران سند پگاهای کارگری و تودهای را دستگیر نمود است.



یاسر عرفات از طرف رهبری جنبش فلسطین در پیامی خطاب به رئیس جمهور هند، تسرور جنایتکارانه خانم ایندرا گاندی را محکوم نمود یاسر عرفات در پیام خود اعلام نمود که: جنبش فلسطین مواضع قاطع، دوستانه و "شجاعانه" ایندرا گاندی را نسبت به فرمان فلسطین فراموش نخواهد کرد.

نابود باد امپریا لیسم جهانی بسوگردگی امپریا لیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

نقد طرح برنامه اقلیت

قسمت آخر

در شماره ۲ و ۳ نشریه نبرد خلق بحث اول نقد "طرح برنامه" اقلیت نوشته رفیق سعید، مسئول کردستان سازمان ما میباشد. در این شماره آخرین قسمت این نقد که به وظایف بین المللی پرولتاریا پرداخته شد، چاپ میشود.

در رابطه با سیاست انترناسیونالیستی ما باید به این نکته که در مقاله نیز بدان پرداخته شد، تاکید نمایم که: مناسبات احزاب و نیروهای کمونیستی و انقلابی جهان باید مبتنی بر اتحاد و همکاری متقابل، با حفظ روحیه برادری و تفاهم و بر اساس حفظ استقلال هر حزب و نیروی سیاسی در اتحاد برنامه و سیاست ملی و انترناسیونالیستی اثر عمده اخله در امر داخلی یکدیگر استوار باشد.

شکوهندترین نمود آن انقلاب پیروزند کیسر سوسیالیستی اکثر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیستی استقامتی از ماده ۲ طرح برنامه اقلیت همانطور که ملاحظه می شود اقلیت اساسا از صومالیه اساسی این دوران صحبت می کند، به همانگونه که در برنامه حزب کمونیست "کمیته نزدیک راهبردی" مورد سکوت می کند. اقلیت بجای صحبت از مضمون اصلی این صبر و مشخص کردن وجه میرنده و بالنده تضاد اساسی دوران کنونی، تنها از شکل گیری اردوگاه کشورهای سوسیالیستی صحبت می کند و از روند های انقلابی در دوران کنونی اساسا در مفاد اصلی برنامه حرفی نمی زند و تنها در بخش سیاسی ست خارجی بد آن اشاره می کند. متأسفانه نه سندگان "طرح برنامه" فاقد جسارت انقلابی در طرح نظرات خود هستند و خصوصاً در این رابطه چون از تضاد های حاد درون تشکیل یافته بخشی خبر دارند و می دانند طیف نظری رنگارنگی را در خود جمع کرده، که یک سر آن مدافعین بولشویست بحث شماره ۱ و طرف دیگر در همسایگی نظری بد گاهایی شبیه رزمندگان سابق و دیدگاه های نیمه ترسکونیستی است، این قسمت برنامه را به شکل بی نوشته اند که در واقع چیزی ننوشته باشند و بنا بر این می بتوانند همه را زلفی نمایند و هر چه بدتر "حزب کمونیست" خودشان را تشکیل دهند. اما این گونه بیج و تباب خوردن ها برای رهبران سکتاریست اقلیت چاره ساز نیست و آنها مجبورند دوران فروپاشی خود را در اینگونه موضع های نا مشخص طی کنند و برای اینکه برای نیروهای صادق این جریان موضوع روشن شود به توضیح مواضع خود می پردازیم، ما در ماده یک برنامه اقلیت (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نوشته ایم:

دوران ما، دوران برونظام انقلابات فراسر جهان و جهانی است. دوران استعمار و ستم امپریالیسم، دوران انقلابات بولشوی و جهانی بخش خلق های فراسر جهان و دوران فروپاشی و استقلال استعمار گران. دوران فروپاشی جامعه جهانی امپریالیستی و گسترش و بالندگی سوسیالیسم در فراسر جهان. دوران پست مدرنیسم و گسترش حادترین مدرنیسم برای ملل و کشورهای است. محسن اساسی دوران حاضر، مبارزات و مبارزه های سوسیالیست است. و تمام دگرگونی های اجتماعی، علمی و فنی در این راستا قرار دارند. مجموعه تحولات این دوران را ما برای رهایی (استقلال ملی)، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم تشکیل می دهیم. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمام برجسته های استبداد در سراسر سرزمین و دنیای ما، با بهره گیری از ابزارهای جهانی انقلاب در سراسر بالنده و روند پاینده قرار دارند. طیفی کارگر بین المللی فراسر این دوران و نیروی اصلی و تعیین کننده در صف نبردهای جهانی انقلاب است. لنینیسم، مارکسیسم علم کونی و انقلاب گستر اکثریت بهترین تحول در آغاز عصر کونی است.

همانطور که می بینید در این بند مضمون اصلی دوران کنونی یعنی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم که به قول لنین "سرنگونی سرمایه داری و جغایای آن و تاسیس نهاد های نظام کمونیستی" فحتوای عصر نهمی از تاریخ جهان است که این آغاز شد و ماست مشخص و نتیجتاً گفته می باشد که آن سوسیالیسم (نتیجه دارد و گاه سوسیالیسم) یعنی مجموعه مبارزه به روند انقلابی در جهان و جهت صدها حرکت صحر کنونی را مبارزه این سر روند انقلابی در جهت رهایی کامل بشر تشکیل می دهد. و نیز بر اساس رهنمود لنین که می گوید: "مانی توانیم بد آنم که در یک دوران مفروض، جنبشهای تاریخی مختلف با چه سرعت و چه موقعیتی تکامل خواهند یافت؟ اما می توانیم بد آنم که در اینم که چه طبقه ای در مرکز

انترناسیونالیستی دم زد. مفهوم دوران تنها یک بحث تئوریک و آکادمیک نیست، بلکه در واقع نتیجه عملی از آن حاصل می شود. دوران "بیشایه حلقه اصلی" است که باید آنرا بدست گرفت تا بتوان به زنجیره سیاست انترناسیونالیستی اصولی دست یافت. اهمیت دوران در آن است که روند اصلی حرکت تکاملی جهان و نیروهای محرکه آنرا در پیامم اگر مفهوم دوران را به درستی درک نکنیم نمی توانیم بین مضمون بین المللی مبارزه پرولتاریا و خلعت، شکل ملی آنرا به درک بالکتیکی برقرار نمایم. در دوران، درک جهت تضاد اساسی در جهان و شناخت دو وجه آن، درک جهت رشد جوامع بشری در این مرحله، درک نیروهای این حرکت و نیروی محوری اصلی در این حرکت می باشد. البته در هر دوران علاوه بر مضمون اصلی که ضمناً مشخص کنند و وجه بالنده و میرنده تضاد و جهت اصلی حرکت نیروهای محرکه اصلی است. خصالت ها و ویژگیهای دیگری وارد می شود که پدید می آید و از دوران قبل و یا نطفه های دوران بعد است. بطور مثال اینکه بوزوازی از نظر جهانی دیگر خلعت تئوریک نداشته و یک نیروی ارتجاعی است بدین معنی نیست که اساساً در هیچ کشوری در هیچ مرحله ای در این دوران مشاهده وجود نیروی های شرقی بوزوازی نیست. بطور مثال دکتر مهندس در ایران، دکتر سون یا تسمین در چین گاندی در هند و... دهها نمونه دیگر... ولی اینها نمونه هایی هستند که با آن نمی توان جهت اصلی دوران کنونی را روشن کرد. از طرف دیگر استقرار صحر شرقی سوسیالیسم در اتحاد شوروی نباید این تصور را بوجود آورد که امکان استقرار کمونیسم در مسک کشور امکان پذیر است. استقرار کمونیسم مسئله عصر آینده یعنی عصر بعد از نابودی امپریالیسم در سطح جهانی است. بنابراین آنچه در رابطه با یک دوران مهم است اولاً مضمون اصلی آن که پیشانی کننده دو وجه بالنده و میرنده آن است. تنها جهت صحر و روند های عمده حرکت صحر و تالیان نیروی (طبقه) محرکه اصلی که در محور صحر قرار گرفته می باشد. همچنین درک درست از مضمون دوران و نتیجتاً عملی چه در سیاستهای ملی و چه در عرصه بین المللی خواهد داشت.

حال با این توضیحات اگر به "طرح و برنامه اقلیت" نظری بی تفکیم، خواهیم دید که برخلاف ادعای آن که گفتا است مفاد برنامه صریح و قاطع است، برنامه در این مورد هم مبهم کلی، غیر صریح است. تا جائیکه امکان تفسیر آن از هر سو وجود دارد. اما جوهر اصلی نظرات "طرح برنامه" دلالت بر یک نگرش ناسیونالیستیک دارد. تمام چیزی که اقلیت در مورد دوران گفته در این خلاصه می شود که: "مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است. این صردتها. است که آغاز شده

بخش دوم وظایف بین المللی پرولتاریا

محتوی مبارزه پرولتاریا اساساً بین المللی است پرولتاریا و متحد پیشرو یک طرف صفر آرا می کنند و تمامی مرتجعین و هواداران نظم کهنه در طرف دیگر، پرولتاریا و زحمتکاران هر کشور خاص باید دست آوردن هر پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم مرتجعین یک پیروزی برای تمامی اردوگاه انقلاب جهانی می بدست آورد. اند. همچنین است که هر شکست پرولتاریا در هر نقطه جهان اثرات ناگوار خود را بر کل روند انقلاب جهانی برجای خواهد گذاشت. انقلاب کبیر شکوهند اکثر در روسیه و استقرار جمهوری شوراها در این کشور، یک نقطه عطف تاریخی یک تحول عظیم در آغاز عصر کنونی بود، این انقلاب یک پیروزی استراتژیک برای پرولتاریا می باشد. فقط روسیه، بلکه سراسر جهان و شکست عظیمی برای نه فقط ارتجاع روسیه، بلکه برای ارتجاع و امپریالیسم جهانی بود.

در غلظت رهبری حزب کمونیست چین به منجلا ب شونیم و ارتجاع بدون شک اثرات ناگوار و مغرب فوق العاده ای در روند انقلاب جهانی گذاشته و از طرف دیگر پیروزی مهمی برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا بود.

پرولتاریای ایران نیز بیشایه یکی از گرد انبهای طبقه کارگر جهانی در مبارزه علیه امپریالیسم و انحصارات جهانی و برای نابودی سرمایه داری، متحد پسین جهانی داشته و این متحدین دشمن امپریالیسم و سرمایه داری جهانی و مدافعین استقلال و موکراتسی و صلح و سوسیالیسم هستند. ما پرولتاریای هر کشور و هم چنین پرولتاریای ایران و کمونیستهای بیشایه شعور آگاه این طبقه وقتی می توانند بدستی در این مبارزه نقش ایفا نمایند، تا آنکه در برنامه اصولی را در این رابطه پی ریزی کنند که درک درستیی از دوران است که در آن بسرمی بریم داشته باشند. بدون درک اصولی از دوران و شناخت ویژه کی حصار و قانون مندیهای آن نمی توان از هیچ گونه شرکت آگاهانه در روند انقلاب جهانی و انجام وظایف

بدون شك خبر مگر آنکه مدعیان دروغین کمونیسم از نوع رهبران سکتاریست اقلیت که حاضرند واقعیت های جهانی را نادیده بگیرند تا امیال روشنفکرانه و منافع عملی خود را ارضا نمایند

۲- مبارزه برای صلح و تسخیر زدائی :

جنگ و تسخیر آفرین خصیصه ذاتی امپریالیسم سرمایه داری است. هر دو جنگ جهانی اول و دوم در اثر ادامه سیاست امپریالیستی مبنی بر تقسیم مجدد جهان و گسترش بازار سرمایه بوجود آمد. تا امپریالیسم در جهان باقی است، جنگی که به صورت نطفه ای و چه جهانی (که بستگی به توازن قوا در سطح جهان دارد) اجتناب ناپذیر می گردد.

کمونیستها دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر جنگ های امپریالیستی هستند در حالی که از جنگ های عادلانه که طبقات مستکثر علیه استثمارگران برپا می کنند فقط پشتیبانی می نمایند، بلکه بیشتر کمونیستها همواره اینست که خود ابتکار رهبری این جنگ های آزاد به بخش رادرد ستداشته باشند، در حالی که همواره از جنگ های غیر عادلانه و ارتجاعی می که بر اثر تضاد منافع گروهی از سرمایه داران و ترجمین علیه گروه دیگری بوجود آمده اند و در صورتی که در تاریخ گواهی مبارزه بگیران کمونیستها در سراسر جهان علیه این جنگ های نارتکرانه و ارتجاعی است. بخصوص در دوره دو جنگ امپریالیستی اول و دوم و نقش حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در خاموش کردن شهر جنگ امروزان برجسته می شود. در جنگ جهانی اول حزب بلشویک به رهبری لنین قاطعانه از صلح جهانی و خانصه دادن به جنگ دفاع نمود حتی هنگامیکه شوراها بقدرت رسید لنین با طرح صلح پیشنهاد شریک مخصوصه نمود و از این طریق حمایت وسیع اخلسی و بین المللی محرومان و ستمدیدگان را کفرانیان اصلی اینگونه جنگ ها هستند را جلب نمود.

کمونیستها برای صلح پایدار می رزمند و اینرا هیچگاه فراموش نخواهند کرد که صلح پایدار در جهان تنها و تنها منوط به نابودی سرمایه داری جهانی است. صلح پایدار در جهان کمونیستی امن نپذیرد است. اما کمونیست ها هیچگاه دست از مبارزه برای کنترل جنگ افروزی های امپریالیسم بر نمی دارند و در مقابل این جنگ افروزی موضع پاسیفیستی و نیهلیستی اتخاذ نمی کنند. کمونیست های واقعی منتظر نمی مانند تا سرمایه لسم در سراسر گیتی پیروز شود و بعداً دم از صلح بزنند. آنها همین اینکه برای اصل استراتژیک که صلح پایدار با نابودی سرمایه داری جهانی متحقق می شود، استوار می ایستند اما در هر لحظه نیز علیه جنگ افروزی امپریالیسم برای دفاع از صلح مبارزه می کنند.

امروز امپریالیستها بحالت بحران عمیقی کانها را گرفته اند و حد تبیشتری به سیاست رقابت تسلیماتی و تسخیر آفرینی ادامه می دهند و عملاً برای برپائی یک جنگ جهانی زمینه سازی می کنند. در مقابل آن کمونیست های سراسر جهان در پیوند با توده های و محکمش و ملل تحت مستم و نیروهای مترقی و صلح طلب جهان فعالانه علیه سیاست جنگ طلبی و تسخیر آفرینی امپریالیستها و پیروان امپریالیسم امریکا بمقابله سنگر اصلی ارتجاع جهانی مبارزه

و حادث آشکار سیاسی و نظامی امپریالیسم استوار است. در طول تاریخ ملل تحت سلطه همیشه به مبارزه علیه این سیستم برخاسته اند و نیز امپریالیست های جهانی همواره و آشکارا مبارزات این ملل را مستعدیده و رابخون کشیدند. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی تاثیر فراوانی روی مبارزات ملل تحت ستم گذاشت. در این دوره تاریخ شاهد رشد و گسترش تصادفی مبارزات ملل برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت خویش و الغاء روابط استعماری بود. هم پس از سرنگونی دولت امپریالیستی روسیه، تنها دولت پیروزنده سوسیالیستی در جهان دولت شورواها بود. قاطعانه به دفاع از این مبارزات. برخاست و از آن پشتیبانی نمود. عصر پرشکوه مبارزه ملل برای نفعی سیستم جهانی استعمار کهن همین دوران کبیر آگاهی خلقها برای رهائی بود. با شروع جنگ

جهانی دوم بدنیال آن با پیروزی انقلاب در یکی از کشورهای دیگر و ایجاد اردوگاه کشورهای سوسیالیستی که تاثیر قاطع و مهمی بر روند انقلاب جهانی داشته است جنبش های رهاش بخش سلسله تحت مستم نیز رشد و گسترش بی سابقه ای یافت. دیگر ادامه روابط استعمار کهن برای امپریالیسم کسار ساده ای نبود، مبارزات ملل تحت مستم به کانسون جوشانی در انقلابات جهانی تبدیل گردید که این آتش هر دم شعله می شد. تحت تاثیر این جنبش عظیم و نیز وجود اردوگاه سوسیالیستی و نیز مبارزه طبقه کارگر کشورهای استعمارگرو نیز یک سلسله مسائل دیگر، امپریالیسم مجبور به عقب نشینی می گردد و اگر چه در مقابل این عقب نشینی به روابط نو استعماری متوسل می شود ولی این عقب نشینی و این فروروشی استعمار کهن در مبارزه ملل تحت مستم یک پیروزی بزرگ بود. رفیق کبیر بیژن جزئی این خصوصیت را چنین جمع بندی می نماید :

"ما - بات نو استعماری حاصل عواملی است که مهمترین آن عبارتست از رشد و گسترش جنبش های رهائی بخشد کشورهای تحت سلطه که ادامه یافتن سیاست کهنه را با مقاومت روبرو می سازد، افزایش قدرت کشورهای - سوسیالیستی و کشورهای آزاد شده که سرکوب می قید و شرط این جنبشها را از جانب امپریالیستها، آنهم به صورت تهاجم نظامی مستقیم جنگ میسازد، تکامل جامعه های تحت سلطه و رشد پیروانی کمرباد و در آنها که قادر است جای شود الهارا بطور کامل بگیرد و بالاخره تکامل سیستم سرمایه داری جهانی در کشورهای مترویل که ضرورت صنعتی شدن کشورهای تحت سلطه و نوعی تقسیم وظایف تولیدی را بین مترویل و کلنسی تولید مواد خام و کالاهای ساده و اولیه در کلنسی و کالاهای پیچیده که نیازمند تکنولوژی پیشرفته و کارگر تخصصی و ماهر است در مترویل) - سروی می سازد" (رفیق بیژن جزئی - نبرد با دیکتاتوری)

بنابراین از هم پاشی سیستم استعماری کهن یکی از ویژگیهای عصر کنونی است. در واقع روند انقلاب جهانی در دوران معاصره جانش رسیده که روابط استعماری کهن را برای امپریالیستها امکان پذیر نیست. آنها کمونیستها می توانند به این مسئله بی توجه باشند؟ آیا کمونیستها می توانند بدون درک این ویژگیها علل و عواملی روی آوری امپریالیسم به سیاست نو استعماری را توضیح دهند و یا خود روابط استعماری را درک کنند؟

نقد

این بیان دوران قرار دارد و بدین ترتیب محتوای عمده بحسب تکامل، مشخصات عدد و جهت تکامل تاریخی آن دوران و عصر را تعیین کنیم. (لنین زیر پرچم دروغین)

ما مشخص کرده ایم که طبقه کارگر جهانی در اسامین دوران قرار گرفته و در تمام تلاطمات و انقلابات و رویداد های جهانی مهر این طبقه قشود و خواهد خورد.

اما تلاش برای پیدا کردن موضع مشخص در اینگونه موارد در برنامه اقلیت نه چاهجا مدعی دفاع یکس از حیطه مارکسیستی - لنینیستی است، نتیجه است و گویا طراحان برنامه بحالت مشغولیت بسیار در سازماندهی توده های میلیونی یکسری مسایل را انقاد برد باشند و اینگونه حداقل در موضع نوشتن شرح برنامه فراموش کرده باشند که بگویند مضمون اصلی دوران ما چیست. البته همانطور که قبلا هم گفتیم این برنامه نه همان آنقدر هم فراموشکار نیستند بلکه درک انحرافی رهبران اقلیت از صورت کنونی است که اجازه نمی دهد باصراحت مسایل رابیان کنند و تنها با گفتن اینکه: همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نمود است. اما ما می پرسیم چه فرضی بین این موضع و موضع کومله که در برنامه خود نوشته اند، نظر به عوامل فوق، امپریالیزم نه تنها بالاترین مرحله سرمایه داری، بلکه مرحله کنونی است، احتضار و زوال آن نیز هست. عصر امپریالیسم در عین حال عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریاست (برنامه حزب به اصلاح کمونیست نوشته و تکمیل اتحاد مبارزان) وجود دارد. معلوم میشود کومله خیلی بی انصاف است که یک تایید ضمنی و غیر روشن اقلیت از کشورهای سوسیالیستی را با "حقائق توده ای بودن می گوید زیرا اقلیت حداقل در فرمول بندی های خود هر روز بیشتر به مستبر نامه اپورتونیستی - سکتاریستی تبدیله نزدیک می شود. و این توده های مواضع اصولی نیز ظاهراً نباید دیرپا باشد. بهر حال ذکر اینکه این عصر، عصر انقلابات پرولتاریائی می باشد اساساً جوابگوی مسائل مشخصه ارتیک مبارزاتی پرولتاریائی نیست، اگر چه یکی از نمود های این عصر، انقلابات پرولتاریائی و شکوهمندترین و مهیتر بین نمود عصر کنونی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در روسیه می باشد. در هر عصر ویژگیها و خصوصیات مهمی وجود دارد که تنها بر محور مضمون اصلی آن قابل تحلیل است. ما به چند ویژگی مهم این عصر که برنامه چهارم اقلیتی اساساً وارد آن نشده اند می پردازیم این مسائل عبارتند از:

فرهنگی سیستم استعمار کهن، صلح و تسخیر زدائی، روند انقلاب جهانی

۱- فروپاشی سیستم استعمار کهن: تکامل سرمایه داری به عالیترین مرحله آن یعنی امپریالیسم نه تنها باعث الغاء روابط استعماری بین کشورهای مترویل و کشورهای کلنی نگشت، بلکه امپریالیسم ستم و استثمار مستعمراتی را هر چه بیشتر شدت داده است. جهان شاهد جنایات ظلم، ستم و استثمار وحشیانه کشورهای مستعمرات طرف امپریالیستهاست. روابط استعماری بر پایه

می کنند .
اینجا واقعه ای روشن است ، حتی در مواردی هود آرا
اقلیت در خارج از کشور تحت تاثیر این مبارزات تحت
فشار واقعهات (که طبعا نمی تواند اقدامی آگاهانه
و هدفمند باشد) در حرکات صلح طلبانه نیروهای
بین المللی شرکت می کنند . اما نه سندگان طرح و
برنامه " اقلیت همچنان بر مواضع سکتاریستی خود
پافشاری می کنند و می گویند مرغ پلکا دارد . آنها
اساسا وظیفه دارین مورد برای خود قائل نیستند
به این جملات توجه کنید :

" امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم
امریکاینا به سنگر اصلی ارتجاع جهانی و زاندارم
بیرالمللی برعهده گرفته است ، که سابقه تسلط حاشی
امپریالیستهای جنگ طلب رارهبری می کنند ،
بلوکهای متجاوز نظامی را تحکیم بخشید دست
به ماجراجویی نظامی می زند و زمینه را برای یک
جنگ جهانی جدید فراهم می سازد " (نقل از -
طرح برنامه اقلیت)

اما اقلیت در مقابل این سیاست ارتجاعی
امپریالیستی برای خود هیچ وظیفه ای قائل نیست
و علا هیچگونه وظیفه مشخصی را در مقابل توده های
زحمتکش قرار نمی دهد و تنها به تفسیر پدید و وضع
حرکت برای تغییر آن می پردازد .

راستی چگونه می توان به مبارزات عظیم توده های
خصوصا در خود کشورهای امپریالیستی علیه جنگ
و تشنج آفرینی بی توجه ماند و به دفاع و تقویت
ایرپارزانش پرداخت ؟ طراحان برنامه اقلیت به هر
کس که از مبارزه برای صلح و تشنج زدائی دفاع
کنند مارک توده ایچود نمی زنند ، معلوم می شود بنظر
این رهبران سکتاریست حزب توده ، انقدر قدرتشند
است که مبارزات چند صد میلیونی جهانی را می تواند
دامن زند ، و حداقلیکه این خود رهبران سکتاریست
اقلیت هستند که از یک طرف با قرار گرفتن در صومعه
"جیب طلا بسود " راست شرکت می کنند و از طرف دیگر
از ترس اینکه برد این دیرهای آنها هیچ نقطه اصولی
فرار نگردد ، مواضع اصولی را با مارک توده های بودن
پاسخ میدهند " راستی رهبران سکتاریست اقلیت
فراموش کرده اند که جابوچینجال رهبران - حزب
کمونیست چین در مورد اینکه نباید از صلح فاج کرد .
۱۰۰ کارکن آنها را ایچکجا کشاند است . این فقدان موضع
علا یک موضع ناسیونال میولینست ، در مقابل مسئله

صلح جهانی است . موضع اپورتونیستی راست در
برخورد به صلح جهانی ، از صلح بهره جیتی ، حسی
دستبرد آستن از سیاست کمونیستی ، دفاع می کنند
این دیدگاه تاکتیک راه جای استراتژی می گردد
مصلح سکتاریستی "جیب " ناسیونالیستی اساسا
سیاست دفاع از صلح جهانی و تشنج زدائی را رد
می کند و با این بهانه که تنها باید امپریالیسم
ناپود درد ، از مبارزه مشخص و ملموس توده ها مفسره
مهرود و آن روی سکه سیاست را ترا بنمایش می گذارد
موضع اصولی کما از آن دفاع می کنیم هرد و این
دیدگاه که مسلما در براتیک آنها نیز منعکس می شود
هرزندی دارد . ما می گوئیم مبارزه ای دمکراتیک برای
صلح بوسیله نیروهای جهانی انقلاب گر چه تا
حدودی قادر به کنترل جنگ افروزی امپریالیستها
بوده است ، ولی تعادل قوا در سطح جهانی
به شکلی است که هنوز گرایش اصلی و ذاتی امپریالیسم

به جنگ و توسعه طلبی ، امکان استبروز وسیع دارد ، از
این جهت مبارزه برای صلح ، تشنج زدائی و خنثی
کردن توطئه های جنگ افروز ، انه امپریالیستها بر
بستر استراتژی انقلابی برای نابودی امپریالیسم
و سرمایه داری انحصاری نقش حیاتی دارد " (برنامه
هویت سچفا - تاکید ازین است)

ملاحظه می شود که بهمانگونه که در عرصه ملی بر
بستر استراتژی سرنگونی حقیقی مثلا از مبارزه برای
تدوین یک قانون کارترقی حمایت می کنیم و
مهد انیم که تحقق یک قانون کار که متعلق بر منافع
کارگران باشد مستلزم سرنگونی سلطه امپریالیسم و
بورژوازی وابسته و استقرار رژیم دمکراتیک است ، اما
با قبول این حقیقت شانه از زهر بار مبارزه برای تدوین
یک قانون کارترقی خالی نمی کنیم ، در عرصه
بین المللی نیز بر بستر استراتژی انقلابی برای
نابودی امپریالیسم و انحصارات جهانی از مبارزه برای
صلح و تشنج زدائی دفاع و حمایت کرد و اساسا
این دورا نه در مقابل هم بلکه به موازات و مکمل هم
میدانیم .

۳- روند انقلاب جهانی :

در دوران کنونی کسوفیون آن که از سرمایه داری به
سوسیالیسم است ، سر روند عمد مانقلابی ، چریکان
تاریخ به طرف نابودی امپریالیسم و سرمایه داری را
تعمیم می نمایند . این سر روند عمد عبارتند از :
مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی طلب تحستیم ،
کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مترقی و کارگران
کشورهای سرمایه داری ، این همه جریان عمد تاریخی
دوران ماد ارتباط و دوستی لا ینفاکین با هم قسرا
دارند . اگرچه کیفیت سطح مبارزه هر یک از این
جریانات متفاوت و نیز تاثیر گذاری هر یک دیگری
بستگی به شرایط متعددی دارد اما رشد و پیشرفت
وضی نزول و ضعف هر یک از آنها ارتباطا و واسطه ای بر کس
این جریان واحد انقلابی می گذارد . کمونیستهای
کلیه کشورها باید در اتحاد و پیوند انترناسیونالیستی
با این جریان واحد انقلاب جهانی قرار گیرند . هر
گونه سبب انگاری در گسترش اتحاد و همکاری (متقا -
پل برابری ، با حفظ استقلال) انترناسیونالیستی با
جریان واحد انقلاب جهانی ، برابر است با ناسیونال -
لیسم کورو تنگ نظرانه . سیاست اصولی در این رابطه
را باید بر برنامه (هویت) سچفا جمع بندی کرد موایسن
گونیوشته ایم :

* باید سیاست همکاری اصولی ، برابر انقلابی و
انترناسیونالیستی با هم داشته بود ، راه تحقق ارمان
های خود ، و با حفظ مواضع مستقل این تلوینک -
سیاسی و اتکابه منافع کارگران و زحمتکشان کشور خود
بکشوند " البته ما نباید می کنیم که حتی اگر تمام احزاب
و جریانات انقلابی دارای هیچگونه انحرافی نباشند
باز هم سیاست انترناسیونالیستی باید متکی بر
سیاست همکاری متقابل باشد و نه نباله روی یک جهان
از جریان دیگر و یا احزاب دیگر . . . این موضع
در اولین نشست های انترناسیونال . . . سوریه ثبت
رسید .
طراحان برنامه اقلیت فقط در بخش تئوریک و عمومی
هیچ توجه صحیحی از این سه روند عمد و تاریخی
دوران کنونی نمی کنند ، و تنها در مورد سیاست
خارجی جمهوری دمکراتیک و در بخش حد اقل برنامه

بعین سه روند انقلابی ، انهم بطور حتم تحست
اجبارات متحد و به شیوه معمولانه که هیچ دردهاز
آنها را دوا نخواهد کرد ، اشارای می کنند . بلکه
آنجا که سیاست انترناسیونالیستی مابین احزابی که
بنظر آنها ، یگانه خط مارکسیستی - لنینیستی منطبق
بر برنامه واید تلویری اقلیت را دارند ، را تعیین
می کنند تنها بر " اتحاد و همکاری " اشاره نمود بدین
اینکه به مساله استقلال و برابری و عدم حالت رامور
داخلی یاد می کند حتی اشاره کوچکی نمایند .

معلوم می شود نویسنده کان سکتاریست " طرح برنامه
اقلیت چون همرا منحرف میدانند و مشخص نکرده -
اند که دام احزاب و جریاناتی با این " یگانه خط
انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که باید افسر پیگیر
آن هشتم " (طرح و برنامه اقلیت تاکید ازین است)
همخوانی دارند ، احتیاجی به شحصر کردن د قیسی
سیاست مابین احزاب کمونیست و انقلابی نبیند آشته
و اگر روزی اینگونه احزاب بوجود آیند حتما اقلیت
آنها بوجود آورد و مثل کمیونستان سوسیالیست جدید
راهپایه گذاری کرده و کمبانی ، ابططاح اشرفی -
" اتحاد و همکاری " است و حتما این " اتحاد و همکاری"
همه با اقلیت است و اقلیت این حق را برای خود حفظ
خواهد کرد که از موضع برتر و تاثیر به سیر انقلاب -
بی استقلال تمام احزاب را زهریادگ داشته رامور
داخلی آنها نیز بر تریبی که خود صلاح بداند
دخال کند . . .

البته امروزه بنظر اقلیت هیچ جریان دیگری به جز
خود اقلیت " یگانگی خط انقلابی مارکسیستی -
لنینیستی " نیست . (اگر اقلیت جریانی را بر سیاست
می شناسد اعلام کند تا ما نشان دهیم که آن جریانی
چقدر بر یگانگی خط نزدیک است) .

برای اینکه رها یان این بحث این موضوع نیز روشن
تود بی ضابط نیست که اشارای هم به این عدم
صراحت در بیان و بی موضعی (کمبود البته
نوعی موضع گیری است) در رابطه با کشورها های
سوسیالیستی و احزاب کمونیست آنها ، بنعنائیم . در
طرح و برنامه اقلیت آمد ما سکه : " به علاوه امروز در
جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمانهای
وجود دارند که اگرچه از مارکسیسم - لنینیسم
منحرف شده اند . اما این انحرافات منجر به تسلط
خط اپورتونیستی - رفرفیستی یا سوسیال شوینیستی
در این احزاب و سازمانها نشده است بلکه به
گرایشات انحرافی رفرفیونیستی راست نظیر احزاب
کمونیست شوروی ، آلمان و . . . یا چپ (نظیر حزب
کمونیست آلبانی) در غلظتند . از این رو امکان
تعبیر و اصلاح در آنها وجود دارد و مادام که
پنجیک جریان اپورتونیستی - رفرفیستی یا سوسیال
شوینیستی تا بل نهامتاند ، در جنبش کمونیستی جای
دارند " (طرح برنامه اقلیت بخش از ماه ۱۳۰۰) این
است موضع گیری کسانیکه . . . دعوی " صراحت
در کلام " هستند . اینقدر را زین باشنده آن باشنده
چرخش می کنند ولی نظر صریح خود را بیان نمی کنند
از گرایشات انحرافی و رفرفیونیستی راست و چپ
صحبت می کنند از اینکه این احزاب " امکان تغییر
و اصلاح " آنها وجود دارد صحبت میکنند ولی نمی -
گویند ماهیت این احزاب چیست . امروز در سطح
جنبش این نحوه برخورد کردن با مسائل نمی تواند
حلال مسائل تئوریک و عملی باشد . اگر مثلا سوال

نقل

پژوه و چگیری نسبت به احزاب کمونیست کشور های
سوسیالیستی در این سطح يك جواب نسبتا قانع
کنند. برای سطح آن موقع جنبش بود، امروز دیگر
این نحوه فرمول بندی موضعی ناروشن، غیر صریح
و قابل هرگونه تعبیر و تفسیر است. ۵ سال پیش در فای
از واژه محدود ساخته "کشور رهنمونیشی" صحبت
می کردند و معلوم نمی کردند ما هیت "حزب و کشوریکه"
در باره آن بحث می کنند چیست؟ آنها در تکامل خود
به این نتیجه رسیدند که کشور مورد بحث
امپریالیستی (و سوسیال امپریالیستی) و حزب
مورد بحث آنها بورژوازی است. البته اگر چه این
موضوع، موضع بسیار ارتجاعی است ولی حد اقل دارای
يك سیستم منطقی در روش، از نظر وضع کنندگان
می باشد. اقلیت نیز امروز باید دست از این مواضع
غیر روشن و اتفاقی بردارد و همان سوال پاسخ روشن
و صریح بد هد که پلیرغم انحرافات رهنمونیشی این
احزاب و کشورها و منجمله اتحاد شوروی، دارای چه
ماهیتی هستند، در واقع هرگونه بحث بر سر انحراف
و... باید بایک جمع بندی مشخص و صریح پایان
و آن اینکه ماهیت احزاب کمونیست های سوسیالیستی
چیست؟ بورژوازی خرد، بورژوازی واپسگرا و
کمونیستی. رهبران اقلیت نیز از تون باید به این
پرسش جواب روشن بد دهند. در همین صورت به
طور مرتب باید در انتظار تکرار نگذاهد نه سیاسی

نویسندگان طرح برنامه اقلیت باشیم. همانطوریکه
چندی پیش در نشریه "کار" از رهنمونیشی مسلط
و غالب "دم می زدند، امروز بدون هرگونه توضیحی
از رهنمونیشی "غیر مسلط" غیر غالب "حرف می زنند
و البته مابخوبی میدانیم این مواضع فایده اشک بازی
از چه موضعی نشأت می گیرد، مابخوبی میدانیم
نویسندگان این طرح برنامه "برای حفظ وضع موجود
خود به برتری و حفظ منافع علمی روشنفکرانشان هر
چند مدتی برنامه و حرفهای خود را تغییر میدهند و
هر بار نیز صدعی "یکانه خط انقلابی" می شنوند
و نتیجتا هر بار از دست دادن موضع وسیعی از نیرو
هایشان مواجه و عدای راه منفعیل و مایوس
می کنند. اما خوبت رهبران ستار استالیست
لااقل بحاطر جلوگیری از سردرگمی آن مقدار محدود
نیروی هم که دارند اگر برای یکبار هم شده و
مواضعشان را رگ "سریع بد و ن اما او اگر بنویسند.
خلاصه کنیم: در حوزه مسائل بین المللی "طرح و
برنامه" اقلیت بحاطر عدم توجه به رشد مبارزات
در سطح جهان، بحاطر عدم توجه به ستاردهای
مبارزه ملل متحد، و در نهایت سیستم استعمار
کین، بحاطر عدم توجیه به روند های انقلابی در
دوران تاریخی کنونی، بحاطر فقدان موضع صریح
روی احزاب کشورهای سوسیالیستی (که بنظر
ما و پلیرغم همه اختلافاتی که با آنها داریم، ماهیتی

پروتری و کمونیستی دارند)، بحاطر نفسی دست
آورد های سیستم جهانی سوسیالیستی به یک
موضع نیلیستی در غلته و از آنجا که بر سر
مسائل اساسی انقلاب جهانی بر سر مسئله مبارزه
برای صلح و تشنج زدائی فاقد هرگونه موضع و
سیاست روشن است، عملا مبلغ ناسیولیسیم تنگ
نظرانه ای شده که با مارکسیسم - لنینیسم عمقا
در تضاد و علیه منافع پرلترها میجد در سطح ملی و چه
در سطح بین المللی می باشد.
بطور کلی طرح و برنامه اقلیت به خاطر عدم در درک
پروسه تشکیل حزب و دفاع از يك خواست ذهنی
و اید مالیستی مبتنی بر تشکیل فروری حزب کمونیست
و در حوزه سیاسی بحاطر ضریح مواضع ستارستی یا
ماهیتی اپروتونیستی راست، پایه های اساسی آن
را نه ماتریالیسم دیالکتیک بلکه اید مالیسم کانتونیکه
در حوزه مسائل بین المللی و انترناسیونالیستی
موضع آنرا "ناسیونال- نیلیستی" که در ارتباط
تنگتنگ با هم قرار ارد می دانیم. ما مجموعا این
برنامه را یک برنامه غیر کمونیستی دانستیم و آنرا تخلیات
و تصورات بحثی از روشنفکران خرد بورژوا و چید از
از تودهای مردم می دانیم. طرح و برنامه اقلیت
برنامه بی علمی، بی وظیفگی و ادعاهای تو خالی
داشتن است. ●
سמיד - کردستان
تابستان ۶۳

"برکناری ظهیر نژاد" و تقویت قدرت سپاه

در تاریخ ۳۰ مهر همین بایک تاکتیک مزورانه
سرتیپ قاسم علی ظهیر نژاد را بصفت نمایند دیگر
خود در شورای عالی دفاع منصوب نمود. این حکم
درست پس از آنکه رژیم عملیات مملکت را خاتمه یافته
اعلام نمود میباید در باز این جهت برای عده ای
این تصور وجود آمد که گویا این تعمیر گامی در جهت
تقویت نیروهای د رون حکومت که مخالف د حالت
بیش از حد سپاه پاسداران ارتجاع در امور نظامی
هستند است. بطور مثال باقر معین یکی از مفسرین
راد پو بی بی سی در برنامه جام جهان نمای روز
۱۲ آبان ۶۳ برای این اقدام خصنی اهمیت بسیار
قائل شد و اینگونه نتیجه گرفت که شایعه استعفا
ظهیر نژاد و نیز شایعه ناراضی او از د احلصه
سپاه در ارتش و امر جنگی در ستیبد مو خصنی با
این تعمیر گامی در جهت تقویت نیروهای "میانی"
در حکومت برداشته است و در صد است تا اوضاع
جنگ را بدست کشور مداران "بسپارد".
البته این تفسیر های ذهنی قبل از برکناری ظهیر
نژاد از ریاست ستاد ارتش و انتصاب سرهنگ
اسماعیل سهرابی یکی از عناصر سرسپرد رژیم
سابق و یکی از مهره های سرکوبگر رژیم همین صور
گرفت. درست يك روز بعد از تفسیر راد پو بی بی سی
سی خصنی در تاریخ ۱۳ آبان ۶۳ طی حکمی
سرهنگ اسماعیل سهرابی راه ریاست ستاد مشترک

ارتش منصوب نمود. خصنی در حکم خود یاد آور
نمود که: "باشیستگیمانی که در میدان نبرد علیه
دشمنان اسلام و ایران از نماگزار شده است
و این پتان به دیانت مقدس اسلام جناب عالی را
به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی
ایران منصوب می نمایم".
سرهنگ اسماعیل سهرابی یکی از مزدورانی است
که وفاداری خود را نسبت به رژیم خصنی با سرکوب
جنبش انقلابی خلق کرد به اثبات رسانده و
همانند صیاد شیرازی از مزدورانی است که با
سیاستهای سپاه پاسداران قابلیت تطبیق
بیشتری دارد. برکناری ظهیر نژاد از ریاست
ستاد مشترک ارتش و سپردن يك پست تشریفاتی
و مشورتی در جردوم پوی نشان دهنده تقویت
نیروهاست. است که از مداحه بیشتر پاسداران در
امر جنگی و تقویت این نیرو حمایت می کنند. در ضمن
این برکناری رهاهای بنی صدر، مدنی و شرکاتی
آنها را که معتقد به يك جهان "میانی" در حکومت
بودند و بخصوص روی مهره سرسپرد های چون ظهیر
نژاد حساب باز کرده بودند نقش بر آب نمود. و
یکبار دیگر ثابت نمود که این رژیم ارتجاعی با این
ساختو یافت سیاسی قادر به "معتدل" کردن چو
تقویت جریانات "میانی" و کشورهای مدارد در درو
خود نبوده و نخواهد بود. همچنین این تعمیر

این جهت برنامه استراتژی جنگی رژیم را همانطور
دیگری از شدت پایی تصاد های درون حکومتی،
پنجاهی رگه داشت. این تعمیر همچنین در شرایطی
است که سپاه پاسداران رژیم ارتجاعی خصنی در صد
سازمانده می مجد خود در جنوب کشور و ایجاد
سپاه بزرگ جنوب که حوزه عملیاتی آن از خوزستان
تا مرز پاکستان است می باشد. و معلوم
می شود تیمسار مدنی بسیار از مرطهرت است که
در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لاکروا "پس از آنکه
به رابطه خود با سران رژیم و نامتکاری برای آفان
اذعان می کند" من حل شدن تدریجی
آنان (بنظر سپاه است) در ارتش موافق هستم چرا که
به سختی بتوان سر بر آنها را منحل کرد" (لاکروا -
۱۱ آبان ۶۳) زیرا در واقعیت امر این نیرو سپاه
و جریانات ارتجاعی است که روز بروز تقویت میشود
و نه جریانات شبه اصطلاح "میانی" و سرنویستگانی
مثل ظهیر نژاد که در صد محدود کردن قدرت سپاه
پاسداران هستند هموار همگام است آنها را از
خدمات خود به رژیم ارتجاعی حاکم ابتدا به يك
پست تشریفاتی منصوب پس از مدتی حتی صلا
حذف کامل میشوند.

بی ثباتی رژیم و تاکتیک «مذاکره»

هیچیک از حواستهای مردم تاشون جواب مثبت نداده و ننیدهد، اما حتی در صورت توافق رژیم با خواست خود مختاری قبول این امر از طرف نیروهای جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد را یک عمل انحرافی میدانند. بهمانگونه که خلقهای سراسر ایران و منجمله خلق کرد سیاست نیروهای که در پیمان کار رژیم شاه در صد گرفتن امتیازاتی (مانند انحلال ساواک، انتخابات آزاد،)

از رژیم شاه بودند را مردود دانست.
۶- ما مذاکره را نه در جهت تقویت مبارزه برای دمکراسی در ایران، بلکه در جهت تضعیف آن می دانیم. و انرا پابختر اول دفتر سیاسی که به بحران عمیق جامعه بی ثباتی رژیم اشاره دارد در تناقض می دانیم.

۷- سازمان ما اگر چه این شکل از مبارزه را در شرایط کنونی مردود اعلام می نماید، اما به هیچ وجه نیروهای که بعد روغ مدعی "ملی گرائی" و "آزادی خواهی" بود، مو تحت اباطیلی چون رشد جناحهای "میان" در رژیم سازش و تسلیم خود را توجیه می کنند اجازه نمیدهد حرکات ضد انقلابی خود را با استناد به این مذاکره توجیه کنند. چرا که حزب دمکرات کردستان ایران و پیشرگان قهرمانان در سنگر مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم حویلی و تقویت شورای ملی مقاومت قرار گرفته است.

۸- سازمان اعلام میدارد که هدف رژیم حویلی از مذاکره (که طی نوسال اول جاری با محافل، اشخاص و جریانات متعدد صورت گرفته) در گام اول در هم تکتستن شورای ملی مقاومت بنا به نیروی اصلی مقاومت علیه این رژیم ارتجاعی می باشد. بنا به یکبار دیگر از مبارزه قهرمانانه خلق کرد در راه آزادی و خود مختاری و از مبارزه مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران علیه رژیم حویلی و از سیاست تقویت شورای ملی مقاومت این حزب حمایت کامل نمود مو گسترش عملیات مسلحانه اخیر پیشرگان حزب دمکرات کردستان ایران در ایلیس روشن بر جدی ندانستن مذاکره رژیم می دانیم.

مقاومت می باشد. بر اساس این گزارش ما خود را ملزم به بیان مواضع خود میدانیم.

۱- سازمان ما از حق ملیت های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش بهر شکل مورد نظر خود دفاع نموده و انرا جزئی از برنامه خود می دانیم.
۲- سازمان ما از مبارزه قهرمانانه خلق کرد در راه کسب خود مختاری در چهارچوب ایران دمکراتیک و انقلابی که شکل مشخص حق تعیین سرنوشت می باشد حمایت کامل نموده و این مبارزه را بر حق و عادلانه می دانیم.

۳- سازمان این حزب دمکرات کردستان ایران نمایندگی خواست ملی - دمکراتیک خلق کرد و نیروی اصلی این جنبش می داند و از همه دمکراتیک و ترقی خواه مبارزه این حزب (صرف نظر از هر موضوعی که حزب دمکرات نسبت به ما داشته) تا جایی که این حزب دارای چنین همتی باشد، تاکنون حمایت صریح و فعال نموده و خواهد کرد.
۴- ما زمان ما حزب دمکرات کردستان ایران را یکی از پایه های شورای ملی مقاومت بنا به تنها اکثرانیو دمکراتیک دانستیم و معتقدیم که پیوستن این حزب به این شورای ملی گام اساسی در جهت استحکام پیوند جنبش ملی خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران می باشد.

۵- سازمان مادر سراسری که تاکتیک سرنوشتی در دستور مشخص کار نیروهای انقلابی است، مذاکره با این رژیم را برای تحقق حواستهای برنامه ای (مثل تحقق خود مختاری) را مردود و انرا یک تاکتیک غلط ارزیابی می کند. ما معتقدیم گرچه رژیم حویلی از این مذاکرات اهداف دیگری را دنبال می کند و هرگز به

نشریه، کردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران شماره ۹۹ خود را به گزارش دفتر سیاسی این حزب به بعد نیم کمیته حزب دمکرات اختصاص داده. در قسمتی از این گزارش میخوانیم که: "تاکنون چند بار از سوی مقامات رژیم تماسها گرفته شده و تقاضای مذاکره گشوده است. رعای حزبی در منطقه مهلباد ابتدا چند نمایندگی رژیم را ملاقات نمودند و گفتگوهایی کردند. سپس در اوائل مرداد ماه ۶۳ از طرف هیاتی رفت و دیداری با آنان بعمل آورد. سپس در این گزارش اضافه میشود که "در چهارچوب رژیم حویلی تا همین حواستهای مردم کردستان امکان ندارد و به همین جهت حزب دمکرات شعار سرنوشتی رژیم حویلی را انتخاب کرد اکنون هم بران تاکید می ورزد با وجود این خیلی اوقات از ما می پرسند که اگر رژیم حویلی پیمان خود مختاری باشد آیا حزب با رژیم مذاکره خواهد کرد؟" در ادامه گزارش دیدگاه دفتر سیاسی در این رابطه و نیز در برهان که انتشار مجاهدین خلق مطرح میشود و نیز نوشته شده که هیاتی بدیدار نمایندگان رژیم که به کردستان آمد و بودند رتعمیر از مراجعت و ارائه گزارش خود دفتر سیاسی به این نتیجه میرسد که: "مسئله جدی نیست و به همین جهت ادامه ای نیافست" در بخشی دیگر از این گزارش سیاست حزب دمکرات در رابطه با تاکتیک مذاکره بعنوان سلسله از مبارزه توضیح داده شده و خواست حزب دمکرات که در این مذاکرات مطرح شده بیان گردیده و ان خود مختاری بر اساس طرح حزب و شورای ملی

انترنشنال شماره (۱۲) جنگ کردستان از انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران

نتیجه، حد در کردستان در سه ماهه دوم ۱۳۶۳

تلفات و خسارات دشمن			
کشته دشمنان	۱۲۳۸	آسیب	۱۳۳
زخمی دشمنان	۱۰۸۵	مین منفجر شده	۱۰۳
دفعات مردم کردستان			
پیشرگان شهید	۱۲۷	کشته پیدا فاع	۶۰
		زخمی پیدا فاع	۲۶۰
زنیانی آزاد شده	۸۰	بازگشت بهافزون	۵۴
مردان حزب		حلقی	

فنا نسیم پیشم کردگان			
خیماره انداز	۲	موتک	۲۸
کوله سلاح سنگین	۳۵	تیربار	۱۱
نارنگه انداز	۲	سطل سنگین	۲
آرمی چس	۱۰	نارنگه دستی	۲۸۰
		نارنگه دستی	۱۵۲
بسی	۱۹	درجهین چس	۴

۱- در ۱۳۳ فقره عملیات پیشرگان از آمار تلفات دشمن اطلاعی در دست نیست.
۲- فریب خسوردگان بهنگام بازگشت ۴۰ قبضه تفنگ، یک قبضه تیربار کلاشینکوف، یک قبضه آرمی چس ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ عدد تفنگ و ۳۶ عدد نارنگه دستی بهمراه آوردند.

پیروز یاد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری

جنبش توده‌ای در امجدیه

اصلاح پذیراست چشم اولیه مردم و به‌عبارت‌نشدن
تصاویر رجال رژیم درس آموزند مای به این معلماً
در وضع احلاق بود در زهر چند مکد از اظهار
نظر مطبوعات رژیم رابرای نشان دادن عبق ایمن
حرکت مردمی چاپ می‌کنیم

آنچه در این اظهارنظرها جلب توجه می‌کند این
است که این مطبوعات مزدور همانند دستگاه
تبلیغاتی شاه میخواهند این حرکت توده‌ای را
چند "جریان ابله" و "تفاکرها حساساتی" قلمداد
کنند و در واقع چهره حواریان رژیم با این ادعا
نشان میدهند که چقدر خود ابله هستند. ضما
روزنامه جمهوری اسلامی موقعیت را برای تعطیل
کلی ورزش فوتبال (بعلمت اینکه جمع شدن یک
جمعیت بزرگ برای رژیم همیشه خطرناک است)
را مناسب تشخیص داده و توجه به‌پیش‌از‌حد مردم
به ورزش فوتبال را احلاق غیر "اسلامی" می‌داند.
ام‌العلم هم‌این‌تلاشهای ارتجاعی و تیزاب‌وجودان
گرایش‌های ررمیستی که انقلاب ایرانی را شکست
خورد و ۴۰۰۰۰ یوزخ حرکت مردم در ورزشگاه امجدیه
نشانی از ان‌تقشان عظیمی است که در جامعه
ذخیره شده و هر لحظه امکان انفجار آن خواهد
رفت

ریم حمیسی پنداشته که با زندانی کردن مزدوری
جانفدا میتواند جلوی خشم و کینه مردم را بگیرند کور
خوانده است، زیرا مردم پس برد مانند کسراهای ایمن
ریم فساد و حیانت و جنایت‌است و دست او تا مفرق
بحون انقلابیون اغشعاست حرکت اعتراضی مردم
در روز مسابقه فوتبال یک بار دیگر نشان داد که
جامعه در جوشش انقلابی سیر می‌کند و مردم
بدنیال هر فرصتی می‌گردند تا آن را تبدیل به یک
حرکت ضد ررمی گردانند و این وظیفه انقلابیون است
تا از این فرصتها استفاده کنند و حرکت مردم‌راست
و سودمند و تانجا پیش‌رفت که روزهای نخستین
انقلاب را زنده کرد و با تمام قدرت و استکالی نیروی
مردم رژیم حمیسی را همچون رژیم شاه به زباله‌دان
تاریخ سپرد. حرکت امجدیه استان گیلان بسیار
دیگر نشان داد که مردم حواهران قهر انقلابی علیه
رژیمند. این حرکت مست محکم بردهان فرست
مطلبان پاکستانی زد که فکر میکنند رژیم حمیسی

خشم و کینه‌ی جوان مردم علیه تمامیت رژیم ضد
بشری حمونی بار دیگر در امجدیه نیلور یافت و
مردم دوباره حاضر و روزهای نخستین انقلاب را
زنده کردند. در یک اجتماع ورزشی تظاهراتی
شکل میگیرد (البته نباید هفته مبارزه را با جنگ را
فراموش کرد) و مردم شعار مرگ بر رژیم میدهند
روزنامه‌های رژیم می‌نهند "تاسفانه فرصت
طلبانی بی بند و بار و شاید بداندیش و گمراه از این
ازدحام سو استفاده کرد و بدروزچشان پلیس
و ماموران انتظامی، حسانتی به ورزشگاه و
اتومبیل‌های که در بیرون پارک شده بود، زدند.
(دنیای ورزش ۱۳ مهر ۱۳۶۳ شماره ۱۲۲)
البته هفته قبل از این حرکت در استان گیلان در
جریان مسابقه بین دو تیم حرکتی حقیقی تر از این
رخ داد ولی مقامات جمهوری اسلامی از انتشار
خبر جلوگیری میکنند ولی بعد از جریان امجدیه
برده‌ها کنار میروند و مسئله گیلان رو میشود. اگر

تظاهرات ورزشی

در اهتزاز بقیه از صفحه ۱

توانست شعارهای اپورتونیستی رهبران احزاب
بورژوازی و شرده بورژوازی را نزد توده‌هایی اثر
نماید به تدارک میام مسلحانه پرداخت.

لنین در رهبری میام مسلحانه نیز نشان داد که
چهرندی چهره دست‌رهنر انقلاب کرد ریست. لنین
با انگا بر سر و اما تبلیغ کارگران و سربازان و اشناخت
لحظه دقیق میام و با برنامه دقیق و همه‌جانبه‌میام
مسلحانه را یک روز قبل از آغاز کار نکرده و میام‌های
نمایندگان کارگران و سربازان وسیع‌آماز و بافتح کاخ
زستانی در یامداد روز ۲۵ اکتبر حکومت کزنسکی را
در هم شکستود و سبب ننگره نمایندگان سوراها نیازی از آن
د همانان و سربازان روس در همان روز مقرر تشکیل و
لنین رابه ریاست نکرده برگزیده ولی بیانیه ای اعلام
نمود که در رتد ولتی راد دست گرفت‌است. کنگره
با تصویب یک سلسله قطعنامه‌ها راه
نابود سرمایه داری و ساختن سوسیالیسم آغاز
و شورای رهبران خلق را بنا به بنوری اجرائی و نشی
به ریاست لنین تشکیل داد. و بدین ترتیب نمایندگی
مارکس و انگلس و لنین و نیز آرزوهای صد‌ها میلیون از
محروران و زجر کشیدگان جهان بواقمیت پیوست، و
پس از آن هر کجا که مبارزه علیه ظلم و پیدادگری
وجود داشته باشد، هر کجا که مبارزه برای رهائی
د مکرسی، صلح و سوسیالیسم جریان‌اشنه باشد،
اندیشه‌های ظفر نمن لنین و تجربیات انقلاب کبیر
اکتبر پلار گرفته میشود.

ماد رستم‌شود شش‌هین سالروز انقلاب شکوهمند
اکتبر این پیروزی بزرگ عسرتوشی رابعصه کارگران و
حلقهای سراسر جهان، به هم‌عازراب سازمانهای
انقلابی و کمونیستی جهان، به مردم اتحاد شوروی
و حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
تبریک و شاد باشی گوئیم.



حقیقت در جریان برگزاری مسابقه بین فوتبال
در استان گیلان که در ورزشگاه رشت انجام
شد دانشم این گونه اعمال زشت همداری
برای مستولین و دست‌انکاران ورزش
می‌باشد که با برنامه‌های دقیق و اصولی از
تکرار آن در آینده ممانعت نمایند و افراد
مختلف و تشیع‌الفرین را تشویق و به مقامات
فدائی معرفی کنند.

از این نقطه نظر استادبومهای ورزشی
خصوصاً استادبومهای فوتبال زمین‌های
زیادی را دارا می‌باشند که مورد استفاده
بسیاری از جریانات منحرف و مغرض و گاه
خداوندان واقع میشود جریاناتی که از
احساسات پرشور و علاقه پاک مردم ورزش
دوست سواستفاده میکنند و به ورزش که
میتواند وسیله‌ای مفید برای تأمین سلامت
آنها باشد به ورزشهای اصیل بها داده شود.
آیا صحیح است تمام ورزشها را فدای
فوتبال کنیم و از ورزشهایی از قبیل
دوچرخه‌سواری، شنا، تیراندازی و غیره تنها به
مصاحبه و اخباری کوتاه اکتفا نماییم؟
شک‌ناشاکران معهد و مؤمن در مواقع
بروز انگلانی از جانب اورانشا فریب‌دین
ورزشی خود با حفظ نظم و اخلاق اسلامی
مانع اینگونه حرکات کردند و سواستفاده
چنان را نشاناسی و به مقامات انتظامی معرفی
کنند.

آن جوان ابله و ناشاکر اسلامی باید بداند
که ورزشگاه شوروی در هر نوع تظاهرات
انگیزات اجتماعی، به خدمت مردم و پیروزی
فدائی و آزادی عظیمی است. این ورزشگاه
خود می‌تواند که به کارهای انقلابی و
سیاسی بپردازد و از دست‌های ابله و دست
عسیمی شوره‌آلود خردشود و لنین کبیر
مگر نمیدانند برای جوان این شعارها باید
المان برافشاند و این شعارها است که من و من
تازه‌سرم باید از جیب پورفان‌تشیس کلام
عقلانی با سینه‌پوشش هم خود خلوت‌ها براندازد
مبارز و تدارک کرده، تانجا کارگرنسکی را که
هفته پیش سبب ننگره نمایندگان سوراها نیازی از آن
تفاهای مکرر و سبب ننگره نمایندگان سوراها نیازی از آن
برگشت، بلکه عقل این نوع و خشکی را برود
شک‌ناشاکران معهد و مؤمن در مواقع
بروز انگلانی از جانب اورانشا فریب‌دین
ورزشی خود با حفظ نظم و اخلاق اسلامی
مانع اینگونه حرکات کردند و سواستفاده
چنان را نشاناسی و به مقامات انتظامی معرفی
کنند.

مناظره فرصت طلبی
بی بند و بار و شاید بداندیش و گمراه، از این
ازدحام سوء استفاده کرده و بدور از چشم
پلیس و ماموران انتظامی، خسارتی به
ورزشگاه و اتومبیل‌های که در بیرون پارک
شده بود زدند که دور از هرگونه جوانمردی،
اخلاق و انسانیت بود.

جمهوری اسلامی

آنچه تألیف انگیز است اینست
که مرزهایی که رزمندگان اسلام می‌روند تا
آخرین ضربات را بر پیکر فرسوده رژیم
عقلی و سوسیالیستی صدام وارد آورند و
سلسلین عراق را از بندها و زنجیرهای حزب
کثیف پخت عراق آزاد سازند. عده‌ای فرصت
طلب از ضعف هرات برگزاری مسابقات
فوتبال باشگاهی تهران سواستفاده کرده و
به غرض اجاز، مینهند محیط ورزش را که
مکالی است برای باروری ارتشها به جنجال
پیکشاند نظیر چنین خبری را البته به صورت

پیام مسئول شورا.....

بچه از صفحه ۱

بی‌نیات و بی‌آینده است، اساساً از طریق اعمال قهر عادلانه و مشروع، مسیر می‌داند و به همین دلیل مبارزه مسلحانه را مثل محوری سرگونی شناخته است که با پستی با سایر اشکال مبارزه و مقاومت سیاسی و اجتماعی تکمیل گردد و به نتیجه برسد.

۲ - شورای ملی مقاومت امروز حقا قدرتمندترین و فراگیرترین نیروی مقاومت عادلانه مردم ایران است و در میدان عمل چه از نظر نظامی و چه از لحاظ سیاسی و اجتماعی و تشکیلاتی همانندی ندارد. خصوصاً که از اعلام‌ترین درجات مشروعیت مردمی برخوردار می‌باشد.

۱ این اوماد، شورای ملی مقاومت را در صحنه داخلی و در عرصه بین‌المللی بحورته جدی‌ترین چالشین مشروع ملی و مردمی رژیم خمینی قرار داده که در حال اصل‌ترین شان صلح و آزادی و استقلال و تأمین ارمنی و پیکار چریکی ملی است.

۳ - شورای ملی مقاومت دربرگیرنده ایدئولوژی‌ها، طرز تفکرها و تمایلات گوناگون اقشار مختلف مردم ایران است. این شورا قصد تکمیل هیچ ایدئولوژی معینی را به هیچ فرد و گروهی ندارد و خواهان الفبا کلیه تمیضات جنسی و قومی و نژادی و عقیدتی در فضای سیاسی ایران دیکراتیک می‌باشد.

۴ - به همین دلایل، انقلابیون قدرتمند شورا را، تنها چالشین دیکراتیک برای دیکتاتوری ارتجاعی خمینی نامیده‌ایم.

۵ - بی‌هیچ مخالفت در شرایط تاریخی کنونی، استقلال ایران هیچ شانسی بالاتر و جدی‌تر از این شورا ندارد.

با قاطعیت، اساساً، تحریمی تأکید می‌کنیم که در عرصه بین‌المللی، تحریمی "شورا" در یک کلام تحریمی "استقلال ایران" است. در دنیایی که هیچ چیز را برای کشورهای تحت سلطه، بیشتر از استقلال محدود نمی‌کنند، شورای ملی مقاومت ایران در قلب خاورمیانه و در یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیکی جهان در قیاس با هر جانکشی و آلترناتیو دیگری تحلیفاً برجسته‌ترین شاخص استقلال است. به اشاره می‌گوییم و تفصیل بیشتر را به زمان استقرار در خاک میهن محول می‌کنیم که اگر چنین نبود ما (شورا) امروز می‌توانستیم بسا به قدرت نزدیک‌تر باشیم و دست‌کم کسی برجسته‌تر نتوانگینایست و ستون پنجم عراق نیز به ما نپیوندد. اما امروز اگر چه ما سوا نوظنفاً نیز باید مقاله کنیم اما از تحریمی سرفراز "استقلال" بسیار ماهی و غرورندیم.

۵ - این شورا تصمیم‌گیری شورایی و رهبری دیکراتیک - انقلابی را به مبارزات تاریخی ملت ایران عرضه می‌کند که از یکسو فقدان آن یکی از مهم‌ترین نقیصه‌های مبارزات مشروطه به ایتسو و عامل بسیاری از شکست‌ها و از سوی دیگر در تاریخ سیاسی حاضر میهن ما دشمنی از در جهت بوس می‌گشاید.

تکرار می‌کنیم: در زمینه ایجاد عمل سیاسی، شورای ملی مقاومت متکامل‌ترین ارمان ملی و دیکراتیک و مردمی مبارزات ملت ایران می‌باشد که البته از من شکوه‌مندترین و خویشتن‌ترین مقاومت سازمان‌یافته میهن ما حوشیده است.

۶ - برخلاف تشبیهاتی که بعضاً در خارج کشور الفبا می‌کنند، ما (شورا) بدنتها هر که را با ما نیست برسد خود نمی‌تاریم. بلکه قویا برآنیم که تنها کسانی که با رژیم خمینی و نقابای شاه هستند و یا به اتسو چشم دوخته‌اند، علیه ما و ملت ما هستند.

شورای ملی مقاومت که برای صلح و آزادی و استقلال و حاکمیت ملی و مردمی مبارزه می‌کند، مقاومت را نه تنها حق، بلکه وظیفه می‌داند و با این شورا دشمنی نوزیده و خواستار متلاشی کردن آن بسود عدل‌طلب غالب و مغلوب نیستند. قویا "از خود" و "با خود" و "هم‌دردی خود" می‌تاریم.

۷ - به اعتقاد ما مقاومت در برابر رژیم ضدملی و ضدایرانی خمینی به منظور سرنگون کردن این رژیم سرگورگ و سنگ‌طلب، استوارترین ریسمان وحدت کلیه نیروهای آزادیخواه و مستقل ایران در شرایط تاریخی کنونی است و سزوتوش همه آنها را به یکدیگر پیوند می‌زند.

به همین دلیل از آنجا که شورای ملی مقاومت خواستار معاندت از انقلاب و سبدرفتن استفاده‌ها و نیروهای مختلف ملت ایران و خواستار فعال شدن و مشارکت نمودن عموم اشخاص و نیروهای آزادیخواه و مستقل است، بگبار دیگر یادآوری می‌کنیم که همه آزادیخواهان و استقلال‌طلبان ایران می‌توانند به هر درجه و بهرانی که بایل باشند با این شورا همکاری کرده و

بیانیه.....

بچه از صفحه ۱۲

خلق کرد در تمام زمینه‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی همچنان ادامه دارد. در طی پیش از نیم قرن، همه حکومت‌های ترکیه یکدیگر پس از دیگری جاننشین هم شده‌اند از همه امکانات برای محسو هیتملی خلق کرد استفاده نمود مو خلق کرد را در

کردستان ترکیه با این اندیشه که موجودیت بیشتر از ۲۰ میلیون کرد را باقتل عام ها از بین برد و اند و در همان زمان با برسمیت نشناختن هیت ملی خلق کرد، آنها را در فقر و بی خبری رها نمودند. رژیم فاشیست ترکیه از مشاهده به صرفت مبارزه سیاسی - نظامی خلق کرد در کشورهای همسایه ترکیه (ایران

و عراق) برای کسب حقوق مشروع ملی اش، وحشت زده شد و است. خلق کرد در کردستان ترکیه با همه دیکراتیک‌های ترکیه یک مبارزه مشترکی را سرسختا نه علیه سیاست سرکوب و ضد دیکراتیک حکومت نظامی ترکیه پیروزه علی‌حده است. کوی اجباری روستا های کرد نشین مرز عراق - ترکیه بپیلو می برد. همان سیاستی که قبلاً توسط رژیم عراق علی شده و رژیم خمینی هم همین سیاست را علیه دهها روستای کرد نشین در مرز عراق اجرا می نماید. هدف

اساسی این سیاست مشترک علیه خلق کرد عبارت از شکستن روابط اجتماعی - فرهنگی - تاریخی ما بین بخشهای مختلف کردستان است. این توافق بطور رسمی طلم وستم آنها را انکار می‌کنند چرا که "نخست وزیر ترکیه بطور علنی و با شدت از اینکه می بیند کردن بشد انکشتن علیه خلق کرد از هم باز می‌شود. ابراز تاسف می‌شود. شاید او

محاسبات عصری را که پیشینان شوونیسم و ارتجاعیها را قتل وطم می‌کردند، بازم زنده کند؟ اما از آن زمان عوض شده است.

از یک طرف، ارتش ترکیه دعوت شده توسط رژیم عراق برای تجاوز به مرزهایش، ساکنان کرد عراق را را قتل عام کرد و است. از طرف دیگر بیشتر از چهار سال است، یک جنگ خونینی بین ایران و عراق

جریان دارد نه نزدیک به یک میلیون کستور زخمی بیشتر از ۳ میلیون اوارموسد ها میلهارد دلار خسارت بجا گذاشته است. رژیم های این دو کشور متقابلاً همدیگر را دشمن می‌تند که به مرزهای مشترک احترام نگذاشته‌اند. در حالیکه همین توجیهات وضعی که از اعمال کمتر تا هدایت شده و علیه خلق کرد باشد، دیگر محلی از اعراب ندارد.

ما با محدودیت این توافق، کخلق کرد و جنشیر مسلم اش را در هر حیث از کردستان هدف قرار می‌دهد، از همه احزاب و سازمانهای دیکراتیک و مترقی، از همه سازمانها و موسسات بشردوست و از همه انسانها آزادیخواه، از سازمان ملل متحد، از شورای اریسا دعوت می‌کنیم که علیه این کشتار اعتراض و از توجیه خونی که به منظور از بین بردن خلق کرد توسط رژیم فاشیست ترکیه طرح ریزی شده جلو گیری نمایند.

حزب دیکرات کردستان ایران، حزب سوسیالیست کردستان ترکیه، اتحادیه میهنی کردستان، حزب پیشاهنگ کارگران کردستان، کمیته هراتسه، حزب

با لاف با آن در مسیر سرگونی رژیم خمینی که دشمن آزادی و استقلال ایران است هم‌فکر و هم‌جهت نبود.

مسئول شورای ملی مقاومت

تلاکراف‌های

تسلیم مسنوا، شورای ملی مقاومت به رئیس جمهور هند و دبیرکل حزب کنگره

آقای جانی رابیل سنگ رئیس‌جمهور هندوستان با تسلیم عمیق از ترور خانم گاندی نخست‌وزیر کشور دوست هندوستان و رئیس جنبش عدم تعهد مطلع شدم.

بی‌شک تلاش‌های بی‌وقفه و خشکی‌ناپذیر خانم گاندی در راه گسترش جنبش عدم تعهد و صلح جهانی و همچنین گوشه‌های ایشان باخطر پایان دادن به جنگ ایران و عراق برای همیشه در خاطر دو ملت ایران و هند و همچنین در خاطر همه مردم آزادیخواه و صلح‌دوست جهان باقی خواهد ماند.

ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی، ما بایلم مراتب تسلیم و همدردی خود را بنحاست این فاجعه ایستفاد به شا و اعضای دولت و مردم هندوستان ابراز دارم.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت
و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران
۱/نوامبر/۸۴
۶۳/۱۰/۱۰

آقای راجیو گاندی دبیرکل حزب کنگره هندوستان با تسلیم عمیق از ترور خانم گاندی نخست‌وزیر هندوستان و رئیس جنبش عدم تعهد مطلع شدم.

بی‌شک فقدان مادر عزیزتان برای جنبش عدم تعهد و عموم مردم صلح‌دوست جهان بویژه ملین دوست هند و ایران فاجعه‌ای پس دردناک می‌باشد.

ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی، ما بایلم مراتب تسلیم خود را به خانواده‌ی محترمانه و حزب کنگره هند ابراز دارم.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت
و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران
۱/نوامبر/۸۴
۶۳/۱۰/۱۰

قطعه‌نامه

مجمع کارگران اتحادیه کارگری و کشاورزان هند

دهلی نو
۸۴/۱۰/۱۲

مجمع کارگران اتحادیه کارگری و کشاورزان هند حمایت و همسنگی خود را با مردم شجاع ایران که برای تحقن دیکرایی بر علیه رژیم فاشیست - مدحی خمینی می‌جنگند، ابراز می‌دارد. ما سیاست کشتار مردم کردستان را محکوم کرده و از کارگران

نولاد اسفهان که در حال حاضر بر علیه این رژیم شدکارگری، مبارزه می‌کنیم. اتحادیه‌ی کارگری و کشاورزان هند خواستار پایان یافتن جنگ ایران و عراق می‌باشد که به علت بافشاری سرسختانه ملایهای دیکراتی قم، طولانی شده است. این مجمع همچنین

تصمیم دولت هند ضمن بر آموزش جلبان ایرانی در هند را محکوم می‌کند و از دولت می‌خواهد که صدور اسلحه به ایران را متوقف کرده و از واسطه شدن در جهت ارسال اسلحه به تیران دست ببرد.

ما رژیم دیکتاتوری خمینی را باخطر نفس کامل حقوق بشر، اعدام بیش از ۳۰ هزار نفر، زندانی نمودن بیش از ۱۴۰ هزار تن و شکنجه و امتحان در ایران محکوم می‌کنیم. ما همسنگی و حمایت خود را از مبارزه کارگران ایرانی که بخشی از مبارزه همه محرومان ایران برای تحقن خواسته‌های چون استقلال، آزادی و حکومت مردمی می‌باشد، اعلام می‌داریم. برچهم این مبارزه پیروزندانه توسط سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران برافراشته شده است.

این مجمع همچنین همسنگی خود را با تمامی کارگران جهان اعلام می‌دارد و خواستار اتحاد همه کارگران جهان جهت پایان دادن به نفی کامل حقوق کارگران ایرانی توسط رژیم وحشی خمینی می‌باشد.

نشانی اتحادیه
راوی‌نایار

روبوشت جهت اطلاع به:

مسعود رجوی - رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت

کمونیست‌تار کردستان - سازمان چریک‌های مدحی - تنسی

خلفه، ایروان - پیرو برنامه (هویت) - سازمان لاکران

انقلابی ایران (راکارگر) - نشری‌مکار تشهریت سیاسی

انجمن همبستگی بین‌المللی برای دفاع از حقوق

دیکراتیک مردم ایران

۱۴۶۳/۸/۱۱

بیانیه مشترک

حزب دموکرات کردستان ایران، حزب سوسیالیست کردستان ترکیه، اتحادیه میهنی کردستان (عراق)، حزب پیشاهنگ کارگران کردستان ترکیه، حزب کمونیست کار کردستان (ترکیه)، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بیرو برنامه (هویت) - سازمان کارگران انقلابی ایران (لوا کارگر) - نشریه کسار - تئوریک سیاسی، انجمن همبستگی بین‌المللی برای دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران.

در تاریخ ۲ نوامبر ۸۴ (۱۱ آبان ۶۳) بیانیه مشترکی از طرف تعدادی از نهروهیهای سیاسی ترکیه، ایران و عراق در اعتراض به سیاستهای احمقر ترکیه در رابطه با مبارزه خلق کرد این کشور منتشر شد. این بیانیه به زبان فرانسوی انتشار یافت. در این بیانیه آمده است که: احبار مداخله ارتش ترکیه در کردستان عراق منتشر در مطبوعات تعاسیر متعددی را برانگیخت. نخست‌وزیر ترکیه این هنجیم را بعنوان بحش از توافق امضا شده بین رئیسش رژیم عراق دانست و آرزو کرد که یک چنین توافق با رژیم حمینی هم امضا نماید. در واقع ترکیه به یک پایگاه مقدم برای نهروهیهای ناتو، بجزه برای نهروهیهای مداخله سریع امریکائی تبدیل شده است. امروزه ترکیه بیش از هر زمان دیگر نقش رانجام را در قبال جنبشهای آزاد بحش همه حلقهای منطقه، مخصوصا خلق کرد و جنبش ملی ان ایفامی کند. ما پیشتر موضع گیری و محتوای معاهد سعد آباد امضا شده در سال ۱۳۲۷ به اتفاق ایران، عراق و ترکیه را فراموش نکردیم، معاهده ایئه که نمش نهروهیهای سریشی علیه امال خلق کرد و جنبش ملی اش را در کوهانی که کرد هادر انجا ساکنند (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) ایفا میکرد. جنبش که شانه بعنانه سازمانها و احزاب انقلابی و سرفسی همه حلقهای این کشورها مبارزه مشترکی را علیه رژیم هایشان برای کسب د مراسی و تحقق حقوق تعیین سرنوشتشان پیش می‌برند. علیرغم معاهد و در کشده در بالا، اتحاد سیاسی - نظا می بین این رژیم های شوونیست در عمل به منظور سرنگو بقیه در صفحه ۱۱

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۷ آبان ۱۲۸۷ - اعتصاب کارگران کارخانهی چرم سازی تبریز تحت رهبری سوسال د مکرته
- ۱۲ آبان ۱۳۰۴ - میرزا حبیب واعظکویانی (فزهی) کی از کمونیست های ایران هنگام طرح لایحه خلق سلطنت مآچار به قتل رسید.
- ۱۸ آبان ۱۳۲۴ - تشکیل فداسپون جهانی جوانان د مکرته
- ۱۷ آبان ۱۳۳۲ - آغاز محاکمه دتر محمد صدق رهبر فقید نهست ملی ایران در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه
- ۱۶ آبان ۱۳۳۳ - تیرباران دوهین گروه افسران تودهای
- ۱۹ آبان ۱۳۳۳ - اعدام دتر حسین ماطمی وزیر امور خارجه دولت دتر صدق
- ۷ آبان ۱۳۳۳ - تصویب قرارداد با تسویون نفت
- ۴ آبان ۱۳۴۳ - تصویب قانون اعطا صونیت سیاسی به مستشاران امریکا با احیا کاپیتولسیون.
- ۸ آبان ۱۳۵۷ - شروع اعتصاب کارکنان صنعت نفت
- ۳ آبان ۱۳۵۷ - روز دانش آموز، کشتار و حشایان دانش آموزان قهرمان، بدست عمل رژیم شاه در دانشگاه تهران
- ۱۵ آبان ۱۳۵۸ - روی کار آمدن دوشینظامی ازهار و مزد ورو آغاز اعتصاب کارکنان مطبوعات و رادیو تلویزیون
- ۱۳ آبان ۱۳۵۹ - قتل عام روستائیان بیدفاع آبدرفاش توسط مزدوران حمینی
- ۱۶ آبان - ۱۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ - انقلاب کبیراکتبر در روسیه
- ۱۹۷۶ - اعلام استقلال آنگولا

درتکنیک روتوزیع
آثار سازمان
بکوشیهد

برای فتح قله های
پر صلابت عشق ؛
عشق به آزادی ؛
عشق به مردم ؛
عشق به برابری ؛
یامرگ یاپیروزی .

★ شهدای فدائی در آبان ماه

گرچه روزهای پیشگیری در سال یاد آور قهرمانی ها و حماسه های شهدای خلق می باشد . اما روزها نیست که عظمت آن هیچگاه فراموش شدنی نیست . آبانماه یاد آور شهادت دانش آموزانی که طوسی نظا هرات قهرمانانه در دانشگاه تهران بدست عمل رژیم شاه شهید رسیدند و چنین بود که دانش آموزان نقش خود را در جنبش توده ای د مکرتهک - ضد امپریالیستی علیه رژیم شاه در تاریخ جنبش اخیر ثبت کردند با گرامیداشت شهید ای دانش آموز ۱۳ آبان ، این روز را گرامی میداریم .

- ۱۲۵۰ - سرفنا : شاهرخ هدایتی - سیروس سپهری
- ۱۳۵۲ - رفیق محمد رضا محضی
- ۱۳۵۴ - رفیق علی دبیری فرد
- ۱۳۵۵ - رفیق رحیم حدادادی
- ۱۳۵۹ - رفقا : هادی اشکانی - عثمان کزیمی در کردستان
- ۱۳۶۰ - رفقا : لقمان مدائنه - مرتضی حرطباطبائی علی اصغر علامی - محمد چشم براه
- ۱۳۶۱ - رفقا : عبدالرضا ماهیکیر - مریم دژآگاه - جمشید دژآگاه - عزت بهرامی (موسی)
- مجید شریعی - هاپون حجت) - داود نوری - مهران معدی

هم میهنان مبارز

سازمان برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی و رهائی بحش مردم ایران علیه رژیم حمینی به کمک های مالی شما نیازمند است .
فک های مالی خود را بجهت سازمان که باشد ، مسا مستقیما بدست ما برساند و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واپز نمود .
وقتش رسید انرا بعد از نشریه ارسال داید .

برای تماس با نبرد خلق
با آدرس زیر مکاتبه کنید .

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

با کمک های مالی
خود سازمان را در انجام
وظایف انقلابی یاری رسانید

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R. T.
2617 G
شماره حساب
LES HAUTS DE CHATOU
78100 CHATOU FRANCE

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم